

صنایع بیگم کا فضل و خلافت و اسماء
بچوں کے بین و بین و بین و بین

واجب الوجود و لکھنؤ و فاضل کتب و تصنیف عالم ربانی حضرت تاجی محمد رضا و القاسم



مکتبہ دارالعلوم لکھنؤ و فاضل کتب و تصنیف عالم ربانی حضرت تاجی محمد رضا و القاسم

مطبع میشتی نو استواری مقبول احسان
مطبع میشتی نو استواری مقبول احسان

GRAND 2002

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE2763

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد و عدد نزد حضرت واحد صمد که انوار مسائل فقهیه برای تشنه کما مان زلال حسن قیامت سیرت نیز
 جاوید کرده و صلواته بختیاریات بدیه جناب سالت ماب که اصول بن تین انشا و نشو و نما می فرود سعاد
 سجد بقیه وجود بر آورده اما بعد بناسکان مناسک بن بدین و نه جان مناج ملت و آیین وضع باو که از انجا که
 تبرج کتب سربند و شرب اشاعت صحائف جمیع ملل و نسل بالذوم سطح نظر منبر پرده مالک بن مطیع کرا
 درین ایام نسخه مالا بد منه بکلیه تصحیح و حله الطبع ترین یافته و از نسخه منقول شده که مطبع مکارم ایزد
 منان محمد عبدالرحمن خان مهتم مطبع نظامی در تمام تصحیح آن بعرق فسانی پرداخته و در مضامین خطبه
 توسن قلم را گام بنج این عبارت ساخته هوندا نسخه و دستخطی خاص جناب قاضی صاحب علیه الرحمة
 از نزد مولوی حافظ محفوظ الد صاحب که از اولاد امجاد حضرت قاضی صاحب اند
 طلب شسته از ان نقل برگرفت و برای درستی عواشی آن بخدمت جناب حقائق و معارف آگاه مولوی
 حافظ محب الد پانی پی و مولوی حافظ محمد عبدالعفا صاحب و بر اثر ثانی بخدمت جمیع
 علوم و فنون گرامی جناب مولوی حافظ سید عبدالعفی صاحب بلگرامی و جناب افتخار صاحب
 سرآمد فضیلتی تبحرین مقبول بارگاه صدر مولانا مفتی محمد عنایت احمد صاحب تحف
 از بسکه و عبارت نسخه خاص و دیگر نسخ مطبوعه تفاوت بسیار در بیان آمد و نیز ثبت بعضی حواشی

فهرست مالا بدست

۲	مقدمه در بیان حال کتاب و مصنف حرر الله	۶۸	بیان نماز کسوف	۶۹	بیان طلب باران
۳	کتاب الایمان	۷۰	مسائل نماز نقل	۷۱	فصل در سجده نماز
۱۱	فصل در استقامت نماز	۷۵	کتاب الحجاب		
۱۳	کتاب الطهارة	۸۰	فصل در شیه	۸۱	فصل در نام
۱۵	فصل در وضو	۸۳	فصل در زیارت قبور		
۱۷	فصل در غسل	۸۴	کتاب الزکوة		
۱۹	فصل در نجاسات	۹۱	مسائل مصرف زکوة	۹۲	فصل در صدقه فطر
۲۲	مسائل آب و تطهیر نجس	۹۳	فصل در صدقه نقل		
۲۴	کتاب الصلوة	۹۴	کتاب الصوم		
۲۵	فصل در فرضیت نماز	۹۸	فصل در وجوب تکفیر	۱۰۳	مسائل در نفی مسافر
۳۰	فصل در اذان آقامت	۱۰۴	فصل در روزه نقل	۱۰۷	فصل در عیادت
۳۲	فصل در ارکان نماز	۱۰۸	کتاب الحج		
۳۶	مسائل در سجده و رکعت	۱۰۹	کتاب التقوی		
۴۲	فصل در حدیث در نماز	۱۱۵	فصل در خوردن یا آشامیدن	۱۱۷	فصل در طهارة آن
۴۷	فصل در عتقی نماز	۱۲۱	فصل در تنقیات آداب تجارت و حقوق الناس		
۵۳	فصل در تدریس	۱۳۹	کتاب الاحسان		
۵۶	فصل در نماز جمعه	۱۴۱	ترجمه باب کلمات گنج	۱۵۵	وصیت نامه
۶۲	فصل در نماز سنن پنج	۱۶۲	فصل در زیارت		
۶۶	بیان نماز توبه				

چون سچ مین کا فضل خلافت و ایمان

واجب الوجود ویکانه فرض کنند تا نتیجه کانه تصنیف عالم ربانی حضرت قاضی محمد ثناء اللہ قدس سره



منقول از نسخه مطبوعه نظامی تبصره و افروا اتهام شکایتی برادران کل الغر نهفته این منتخب

مطبع نایب نشی فاضل طبع مرصع انجمان

صفات و افعال و تعالی هم در کف است او بهمانه بی چون و بی چگونه
 است مثلا صفة العلم او را بهمانه صفتی است قدیم نگاشانی است بی ط
 که معلومات از آن ابد با احوال متناسب متضاد و کایه و خبریه با اوقات
 مخصوصه هر که هم در آن واحد است که در بد و فطان وقت نه است
 در فطان وقت مرده و بکذا همچنین کلام او یک کلام است که تمام
 میسر از تفصیل است و تکوین صفتی است مقتضی نمی توان ممکن چه
 که ممکن است پیدا می تواند کرد و ممکنات تمامها چه هر چه عرض می شود
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند با کتب و سائر ارباب و پوش
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ربوبیت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت
 جمادات بحرکت پی میزنند و میدانند که این حرکت فراخو حال انجام است
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان کمال است
 مکمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر که فعلی باشد از
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد و آری این قدر فروعی و جم

صفات و افعال و تعالی هم در کف است او بهمانه بی چون و بی چگونه
 است مثلا صفة العلم او را بهمانه صفتی است قدیم نگاشانی است بی ط
 که معلومات از آن ابد با احوال متناسب متضاد و کایه و خبریه با اوقات
 مخصوصه هر که هم در آن واحد است که در بد و فطان وقت نه است
 در فطان وقت مرده و بکذا همچنین کلام او یک کلام است که تمام
 میسر از تفصیل است و تکوین صفتی است مقتضی نمی توان ممکن چه
 که ممکن است پیدا می تواند کرد و ممکنات تمامها چه هر چه عرض می شود
 اختیاریه بندگان همه مخلوق او تعالی اند با کتب و سائر ارباب و پوش
 فعل خود ساخته است بلکه دلیل بر ربوبیت فعل خود کرده چنانچه عقلا از حرکت
 جمادات بحرکت پی میزنند و میدانند که این حرکت فراخو حال انجام است
 این را فاعلی است و رای او همچنین آن عقلا که بصیرت شان کمال است
 مکمل شده میدانند که ممکن پیدا کردن ممکن دیگر که فعلی باشد از
 افعال یا عرضی باشد از اعراض نمی تواند کرد و آری این قدر فروعی و جم

4

۶

بیش و فقره
لازم
الکماراده

کتابخانه

کتابت از مصنف
تاریخ

10/10/10

المقتضى
بمقتضى
بمقتضى

تاریخ ثبت
توضیحات

بسم الله الرحمن الرحيم

انوار

100

هر چه بروی میری بروی است

اسی براور بی نہایت لطافت

خیر و شر هر چه بوجدی آید و کفر و ایمان و طاعت و عصیان هر چه

منده ترک آره بشو و همه را ده آره است اما حق تعالی از کفر و

فراوانه شیت یعنی دوا داشت ۱۲

و می یست و بران عذاب هرگز نرسد و در آن است ایمان را
خوشنود

و ثواب بران وعده فرموده و از آرد خیر می دیگرست و رضا خیری

وہزاران ہزار درود نامہ و دُعا نبیست علیہم الصلوٰۃ والسلام

که اگر آنرا مساحت بنویسند که در آن است و بعد از آن

من انما ارجو ان انا شانه آموست علی السلام

میر سید بہتہ بیابری ایہوں میں انہیں

افضل شان محمدت علی اور علیہ وسلم خاتم النبیین و معراج پور

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وائسہ امی اواز کہ مسجد اقصیٰ واز ارجا

آسمان ختم و سده الهی حق است و کتابهای آسمانی که اینها

وہاں شہر کے تمام بڑے بڑے مالداروں کی موجودگی تھی۔

بسم الله الرحمن الرحيم

ابراہیم وغیرہ ہر حق است برہمہ انبیاء و ہمہ لسا بہای خدا ایما

[illegible]

[illegible]

با نکار انبیا کافر شدند چنان نصاری عیسی الپسر خدا و مشرکان
 عرب و ملانکه را و ختران خدا گفتند و علم غیب با آنها مسلم داشتند که
 شدند انبیا و ملانکه و در صفات الهی شریک نباید کرد و غیر انبیا را
 در صفات انبیا شریک نباید کرد عصمت سوای انبیا و ملانکه دیگری
 را از صحابه و اهل بیت و اولیا ثابت نباید کرد و متابعت مقصود
 بر انبیا باید داشت آنچه پیغمبر صلی الله علیه و سلم خبر داده است با
 ایمان باید آورد و آنچه فرموده است بران عمل باید کرد و آنچه منع کرده
 از آن باز باید ماند و قول فعل هر یک که سر مواز قول و فعل پیغمبر
 مخالفت شده باشد آن را رد باید کرد و پیغمبر خبر داده است که سوال
 مشرک و کافر در قبر حق است و عذاب قبر مرگافران و بعضی گناهکاران
 راحق است و بعثت بعد موت روز قیامت حق است و نفخ
 برای امانت و احیای حق است و شکافتن آسمانها و خنجر
 ستارگان و پریدن کوهها و برآوردن زمین از تنه اولی و برآمدن

[illegible]

مردگان از قبور و باز پیدا شدن عالم بعد از منتهی ثانی حق است
 و حساب و وز قیاست و وزن کردن اعمال در میزان و شهادت اعضا
 و گند شستن از هر طریقی که بر پشت دوزخ باشد تیر تراشیده و بار یک تراش
 سوختن بعضی مثل برق و بعضی مثل باد و بعضی مثل آتش و بعضی
 بعضی هسته بگذرند و بعضی در دوزخ افتند و شفاعت انبیا و اولیا
 و صلوات حق است و حوض کوثر حق است آب او سفید تر از شیر و
 شیرین تر از عسل بر و کوزه با باشند مثل ستارگان هر که از آن بنوشد
 باز نشد نشود و حق تعالی اگر خواهد گناه کبیره را بی توبه بخشد و اگر نخواهد
 بصغیره عذاب کند و هر که با خلاص توبه کند گناه او البته موافق و
 الهی بخشیده شود و کفار همیشه در دوزخ محبوس باشند و مسلمانان
 گناهکار اگر در دوزخ در آیند آخر کار خواه جلد یا بدیر است
 از دوزخ بر آیند و در اصل بهشت شوند و باز در بهشت همیشه
 باشند و مسلمانان بارتکاب کبیره کافر نشود و نه از ایمان

و بعضی از اینها در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت

و بعضی از اینها در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت

و بعضی از اینها در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت
 و بعضی در دوزخ اند و بعضی در بهشت

یعنی ترک صلوة بکفر می رساند و احمد و ترمذی و شافعی از بریده ازان
بلکه ابن ماجه نیز کذا فی المستدرک ۱۲

نمازست هر که ترک کند آنرا کافر شود و این ماجرا از ابی الدرداء

روایت کرده کہ صیت کر و خلیل من جلی التدر علیہ وسلم کہ شکر

بجای آنکه اگر چه پشتمه شوی و سوخته شوی و نافرمانی والدین

لکن اگر چه امر کنند که از زن و فرزند و مال خود بدر شو و نماز قضا را

عمداً ترک مکن هر که نماز فرض عمداً ترک کند یونکه خدا از وی برپا

واحمد و دارمی و بهیتی از عمر و بن عاص از ان سرور علیہ السلام

روایت کرده اند کہ ہر کہ بر نماز فرض محافظت کند اور انوزو

ونجات باشد روز قیامت و سہر کہ می فطرت نکلندہ اور انور باد

و نه برهان و نه نجات و باشد او با فرعون و همان قارون

بن خلف و ترمذی از عبد اللہ بن شقیق روایت کرده کہ صحابی

رسول التدریج چیز را نمی دانستند که ترک آن موجب کفر باشد

[illegible]

一

حضرت مولانا محمد رفیع الدین صاحب
مدرسہ اسلامیہ کراچی
انضباط
نشریات
کراچی
طبعہ الفضلانیہ
کراچی
پیش رو
پیش رو
پیش رو

فصل غسل مستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کردن
 بنشیند مستن خاص و مطلق و پنج مطهر شستن هر چه باشد
فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست
حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جایکه آب
غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن
بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن
مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن
مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل چهارم
غسل جماعت در قبل شستن یا در و بر مرد یا زن اگر طاهر ازال
 اگر چه باقی طهری باشد که داخل شده باشد
نشو و دیگر ازال است بجهنگی و شست در بیداری یا در
خواب و از خواب بیدار شدن بدون ازال غسل واجب نشود
و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردید
اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز
است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ
 یا سباحت هر چه باشد

در غسل مستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کردن
 بنشیند مستن خاص و مطلق و پنج مطهر شستن هر چه باشد
 فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست
 حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جایکه آب
 غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن
 بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن
 مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن
 مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل چهارم
 غسل جماعت در قبل شستن یا در و بر مرد یا زن اگر طاهر ازال
 اگر چه باقی طهری باشد که داخل شده باشد
 نشو و دیگر ازال است بجهنگی و شست در بیداری یا در
 خواب و از خواب بیدار شدن بدون ازال غسل واجب نشود
 و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردید
 اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز
 است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ
 یا سباحت هر چه باشد

در غسل مستن تمام بدن و آب در دهن و در بینی کردن
 بنشیند مستن خاص و مطلق و پنج مطهر شستن هر چه باشد
 فرض است و سنت آنست که اول دست بشوید و نجاست
 حقیقی از بدن پاک کند پیش و نمونند لیکن اگر در جایکه آب
 غسل جمع میشود غسل میکند پای بعد غسل بشوید و سه بار تمام بدن
 بشوید و بزرگ ساین بدن آب ریختن مویها بافته فرست و شستن
 مویهای بافته ضرورت نیست و بر مرد اگر موی سر داشته باشد شستن
 مویها مستن تمام آن از سر تا بن فرض است فصل چهارم
 غسل جماعت در قبل شستن یا در و بر مرد یا زن اگر طاهر ازال
 اگر چه باقی طهری باشد که داخل شده باشد
 نشو و دیگر ازال است بجهنگی و شست در بیداری یا در
 خواب و از خواب بیدار شدن بدون ازال غسل واجب نشود
 و دیگر حیض یا نفاس چون منقطع شود غسل واجب گردید
 اقل حیض سه روز شب و اکثر آن ده روز و اکثر نفاس چهل روز
 است و اقل آنرا حدی نیست درین مدت به رنگ
 یا سباحت هر چه باشد

در قیاس و مقدار چهار نیم ماشه در غلیظت عفت لیکن آب فاسد کند
 مسئله پس خورده آدمی اگر چه کافر باشد و آب جانوران حلال گو
 و عرق آنها و عرق خروا و ستر پاک است پس خورده گربه و موش و دیگر
 جانوران چنانگی شل گرفتن مانند آن و برندگان حرام گوشت
 مکروه است و پس خورده جوک و سگ و فیل و چهار پا یگان ام گو
 سوامی گربه و مانند آن نجس است مسئله و قبول اگر مثل سوسون
 متخرج شود و عفت و فصل طهارت از نجاست حکمی حاصل نشود مگر
 از آب پاک که از آسمان فرود آید یا از زمین بر آید مثل آب ریاح
 و چشمه پس از آب حنت یا مثل آب تر بوز یا انگور یا کیله طهارت
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا
 زعفران نه و از آن جائز است مگر و قتی که رقت وارد کند یا در اجزا
 از آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیرک یا نیم کبر مخلوط شود یا
 آنکه نام آب و در شونام آن شور یا یا گلاب یا مسکه یا مات آن شود و در صورت

در قیاس و مقدار چهار نیم ماشه در غلیظت عفت لیکن آب فاسد کند
 مسئله پس خورده آدمی اگر چه کافر باشد و آب جانوران حلال گو
 و عرق آنها و عرق خروا و ستر پاک است پس خورده گربه و موش و دیگر
 جانوران چنانگی شل گرفتن مانند آن و برندگان حرام گوشت
 مکروه است و پس خورده جوک و سگ و فیل و چهار پا یگان ام گو
 سوامی گربه و مانند آن نجس است مسئله و قبول اگر مثل سوسون
 متخرج شود و عفت و فصل طهارت از نجاست حکمی حاصل نشود مگر
 از آب پاک که از آسمان فرود آید یا از زمین بر آید مثل آب ریاح
 و چشمه پس از آب حنت یا مثل آب تر بوز یا انگور یا کیله طهارت
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا
 زعفران نه و از آن جائز است مگر و قتی که رقت وارد کند یا در اجزا
 از آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیرک یا نیم کبر مخلوط شود یا
 آنکه نام آب و در شونام آن شور یا یا گلاب یا مسکه یا مات آن شود و در صورت

در قیاس و مقدار چهار نیم ماشه در غلیظت عفت لیکن آب فاسد کند
 مسئله پس خورده آدمی اگر چه کافر باشد و آب جانوران حلال گو
 و عرق آنها و عرق خروا و ستر پاک است پس خورده گربه و موش و دیگر
 جانوران چنانگی شل گرفتن مانند آن و برندگان حرام گوشت
 مکروه است و پس خورده جوک و سگ و فیل و چهار پا یگان ام گو
 سوامی گربه و مانند آن نجس است مسئله و قبول اگر مثل سوسون
 متخرج شود و عفت و فصل طهارت از نجاست حکمی حاصل نشود مگر
 از آب پاک که از آسمان فرود آید یا از زمین بر آید مثل آب ریاح
 و چشمه پس از آب حنت یا مثل آب تر بوز یا انگور یا کیله طهارت
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا
 زعفران نه و از آن جائز است مگر و قتی که رقت وارد کند یا در اجزا
 از آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیرک یا نیم کبر مخلوط شود یا
 آنکه نام آب و در شونام آن شور یا یا گلاب یا مسکه یا مات آن شود و در صورت

در قیاس و مقدار چهار نیم ماشه در غلیظت عفت لیکن آب فاسد کند
 مسئله پس خورده آدمی اگر چه کافر باشد و آب جانوران حلال گو
 و عرق آنها و عرق خروا و ستر پاک است پس خورده گربه و موش و دیگر
 جانوران چنانگی شل گرفتن مانند آن و برندگان حرام گوشت
 مکروه است و پس خورده جوک و سگ و فیل و چهار پا یگان ام گو
 سوامی گربه و مانند آن نجس است مسئله و قبول اگر مثل سوسون
 متخرج شود و عفت و فصل طهارت از نجاست حکمی حاصل نشود مگر
 از آب پاک که از آسمان فرود آید یا از زمین بر آید مثل آب ریاح
 و چشمه پس از آب حنت یا مثل آب تر بوز یا انگور یا کیله طهارت
 حاصل نشود و اگر در آب چیزی پاک افتد مانند خاک یا صابون یا
 زعفران نه و از آن جائز است مگر و قتی که رقت وارد کند یا در اجزا
 از آب برابر یا زیاد مخلوط شود چنانچه نیم سیرک یا نیم کبر مخلوط شود یا
 آنکه نام آب و در شونام آن شور یا یا گلاب یا مسکه یا مات آن شود و در صورت

و صورت خل از آن با جماع جائز نباشد و شستن پانچم بخش مانان
 از آن نزد امام اعظم جائز باشد نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد
 من این شک اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک گردد و شستن
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و آن
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار
 و پشت منقوش و درخت و گیا و غیره تر بویع و مقطوع بدون شستن
 پاک نشود و سنگ نجاست که نمود از شستن مقداری که عین و زایل
 شود و زو امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماید و نجاست
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا بیست و سه بار باید
 و سه گین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسار افتد و نمک شود
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

بیشتر آنست که اگر چه در بعضی از اینها اختلاف است و بعضی از اینها را در بعضی از اینها
 کون نجاست پاک با پارتی پاک شود و شستن پانچم بخش مانان
 از آن نزد امام اعظم جائز باشد نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد
 من این شک اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک گردد و شستن
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و آن
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار
 و پشت منقوش و درخت و گیا و غیره تر بویع و مقطوع بدون شستن
 پاک نشود و سنگ نجاست که نمود از شستن مقداری که عین و زایل
 شود و زو امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماید و نجاست
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا بیست و سه بار باید
 و سه گین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسار افتد و نمک شود
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

و در بعضی از اینها اختلاف است و بعضی از اینها را در بعضی از اینها
 کون نجاست پاک با پارتی پاک شود و شستن پانچم بخش مانان
 از آن نزد امام اعظم جائز باشد نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز نباشد
 من این شک اگر از پارتی تر شده شود پارتی پاک گردد و شستن
 مانند آن مسح کردن پاک شود و زمین نجس اگر نشکست شود و آن
 نجاست باقی نماند بر بنی نماز پاک شود نه برای تیمم و همچنین دیوار
 و پشت منقوش و درخت و گیا و غیره تر بویع و مقطوع بدون شستن
 پاک نشود و سنگ نجاست که نمود از شستن مقداری که عین و زایل
 شود و زو امام اعظم پاک شود و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار باید شست و
 هر بار اگر ممکن شد باید افشرد و الا خشک باید کرد تا که قطره نماید و نجاست
 که نمودار نباشد آنرا سه بار یا هفت بار یا بیست و سه بار باید
 و سه گین اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد
 امام ابی یوسف و همچنین خمر اگر در نمکسار افتد و نمک شود
 پاک شود و نزد محمد نه نزد ابی یوسف و پوست مردار بد با

باقی باشد که کافر مسلمان شد یا طفل ببالغ گشت یا مجنون
عاقبت نماز بروی فرض شد و بعد از قطع حیض و نفاس
بقدر غسل و تحریمیه اگر وقت نماز باقی باشد نماز فرض شود
فصل وقت نماز فجر از طلوع صبح صادق است تا طلوع
کناره آفتاب وقت ظهر بعد زوال است تا که سایه هر چیز
بهمچند او شود سواى سایه اصلی و آن یک نیم قدم در سادون
باشد و پس و پیش آن تا چهار ماه یک یک قدم بنفیزاید
و بعد از آن در هر ماه دو دو قدم بنفیزاید تا که در ماه ماه
دو نیم قدم باشد و قدم عبارت از هفتم حصه هر چیز است
این قول امام ابی یوسف و محمد و جمهور علماست از امام
اعظم هم روایتیست این چنین روایت مفتی شیخ از امام اعظم
است که وقت ظهر باقی ماند تا که سایه هر چیز دو چند
آن شود سواى سایه اصلی و بعد گذشتن وقت ظهر

[illegible][illegible]

جدول متعلقہ صفحہ ۲۵

جدول بقدر سائے اصلی با تقیاف شمر دوازده گانه جلای مانگری و بندگی و بلا و شومند و ستان و جاب قدم و دوقایم با حمل و عرض و بلای
و قیوم هر يك به انما قایم بعد سائے اصلی عبارت است از سائے هر چیز بنگام سیدان مرکز آفتاب بر خط نصف النهار که وقت ظهور هر یک از آن در زمان و تقیاف
از آنست و مراد از قدر در اینجا سیم حصه چیزی و مراد از دقیقه در اینجا شصت حصه قدم است و در کتب قدیم سائے کسوف و انی و ثروات و غیره از درستی حد
کرده شده اند و آنست که این سائے استخراج شده از جدول اطلال اقدم با یادگار ارتفاع آنست که بود که در اینجا آورده اند و هر یک از اطلال با قدم
آنست که در عبارت عرض باید اطلال بطل و از غایت و نیز در سبب نماید و حاصل ضرب این تقسیم نماید پس خارج قسمت اطلال اقدم باشد فقط

تختی از سائے برین وقت عشر	ش	جوا	سرخ	اسد	سنبل	برزان	مقرب	قوس	حبی	دلو	حوت			
تختی از سائے با سائے جلای	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے
تختی از سائے شمر در سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے
تختی از سائے شمر در سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے
از سائے و دقایق	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے	از سائے
احمدگر	۲۵۲	۵۵۲	۱۰۲	۲۲۲	۱۰۲	۵۵۲	۲۵۱	۸۲	۲۴۵	۳۶۶	۴۶۵	۶۲	۱۹	۱۵۲۳
دولت آباد	۳۴۲	۴۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۱۱۱
سورت	۴۵۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۱۱
گلکته	۵۰۲	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۳۱	۱۱۱
احمد آباد	۲۴۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۱۱۱
کلی و رشد آباد	۱۵۳	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۲۱	۱۱۱
از آباد و سبار	۲۵۳	۲۹۱	۲۲۱	۱۹۱	۲۲۱	۲۵۳	۲۵۳	۱۹۱	۲۲۱	۱۹۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۱۱۱
بشارت و غلط آباد	۲۴۳	۵۱۱	۲۲۱	۲۲۱	۵۱۱	۲۴۳	۲۴۳	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۱۱۱
موناگیر	۲۴۳	۵۱۱	۲۲۱	۲۲۱	۵۱۱	۲۴۳	۲۴۳	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۲۲۱	۱۱۱

در سیم

[illegible]

بر هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع
 نشود بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن
 وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز
 فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت
 مغرب است تا غروب شفق سرخ تروا کثر علماء و تروا امام
 اعظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند
 لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکراهت
 تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا
 تا نصف شب تروا جمهور و تروا امام اعظم تا صبح با کراهت
 تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح
 و تا خیر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روز
 روز خواندن صبح جمعی که بقراءت سنون نماز ادا
 کند و اگر نماز ظاهر شود باز بقراءت سنون ادا

در هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع نشود بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت مغرب است تا غروب شفق سرخ تروا کثر علماء و تروا امام اعظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکراهت تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا تا نصف شب تروا جمهور و تروا امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح و تا خیر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روز روز خواندن صبح جمعی که بقراءت سنون نماز ادا کند و اگر نماز ظاهر شود باز بقراءت سنون ادا

در هر دو قول وقت عصر است تا که آفتاب زرد و بی شعاع نشود بعد از آن وقت عصر مکرره است تا غروب آفتاب آن وقت عصر همان روز با کراهت تحریمی جائز است و دیگر نماز فرض و نقل جائز نیست و بعد غروب آفتاب وقت مغرب است تا غروب شفق سرخ تروا کثر علماء و تروا امام اعظم بر قوی تا شفق سفید وقت مغرب باقی ماند لیکن بعد از بنوه ستارگان نماز مغرب مکرره باشد بکراهت تحریمی و بعد گذشتن وقت مغرب بر هر دو قول وقت عشا تا نصف شب تروا جمهور و تروا امام اعظم تا صبح با کراهت تحریمی و وقت وتر بعد از اذان عشا تا طلوع صبح و تا خیر ظهر در گراما و تا خیر عشا تا ثلث شب و در روز روز خواندن صبح جمعی که بقراءت سنون نماز ادا کند و اگر نماز ظاهر شود باز بقراءت سنون ادا

نماز فاسد گردد و موبیای سزین که فرو بسته باشند عضویت
علیه اگر چهارم حصه آن برهنه شود نماز فاسد گردد ^{و بعد از فتویٰ مالکی و حنفی}
در نوازل گفته که آواز زن هم عورت است این جام گفته که
برین تقدیر اگر زن بقراوت بجهر خواند نمازش شود ^{فی الدنیا و دنیا علی الراجحی و آنکه هم عورت بر نوازل است} مکمل هر چهار
برای شتر عورت نباشد نماز او برهنه جائز است مکمل اگر چنانچه
قبله معلوم نشود تحریمی کرده موافق تحریر نماز گزارد
و بدون تحریر نمازش جائز نیست مکمل هر که بسبب خوف
و دشمن یا عدم قدرت بسبب مرض رو بقبلة تواند آورد و هر
که ممکن شد نماز گزارد مکمل نماز نفل صحاب چهار پایه هر
که چهار پایه رود جائز است مکمل نیت شرط نماز نیت
نیت بر نفل و سنت و تراویح جائز است و بر فرض دو و تین
نیت متصل تحریمیه و دو تن آنکه نماز ظهر و عشاء یا عصر
و نیت اقتدای بر مقتدی لازم است و نیت عدد رکعات شرط

[illegible][illegible]

بقدره آید و ترو شافعی و احمدی فائمه خواندن فرض است و بسم الله
 یک است از فاتحه ترو آنها و سجود و نهادن پیشانی و بینی فرض
 است و عند الضرورة الکفا یکی از آن واجب است و ترو شافعی
 واحد و سجود نهادن پیشانی و بینی و هر دو کف دست و هر دو
 زانو و انگشتان هر دو پا فرض است و ترتیب و مارکان نماز
 فرض است مگر در سجود دوم پس اگر در کعتی یک سجده کرد و سجده دوم
 فراموش کرد نماز فاسد نشود و در کعت دوم سجده قضا کند و سجده
 لازم گردد این همام از کافی حاکم آورده که اگر شخصی نماز شروع کرد
 و قرائت و رکوع بجا آورد و سجود نکرد پس قیام و قرائت کرد و سجده
 کرد و رکوع نکرد این همه یک کعت شد و همچنین اگر اول رکوع
 کرد و پسر قیام و قرائت و رکوع و سجود کرد و تمام یک کعت شد و همچنین
 اگر اول دو سجده کرد و پسر قیام و قرائت و رکوع کرد و سجده نکرد
 پسر قیام و قرائت و سجده کرد و رکوع نکرد و این همه یک کعت شد و همچنین

پڑھنا "انجیل"

اگر رکوع کرد اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانیه و سجده نکرد و سجده
 کرد در ثالثه و رکوع نکرد این همه یک گنشت و قعده اولی
 و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است
 نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن
 در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام
 بهم فرض است رکعت است ترو ائمه ثلاثه نه ترو امام عظم که ترو او
 وجوب بگیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار
 گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه
 سمع الله لمن حمده گفتن و بین ایستادن رب اغفر لی گفتن
 نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد
 نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی
 ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حر است
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

اگر رکوع کرد اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانیه و سجده نکرد و سجده
 کرد در ثالثه و رکوع نکرد این همه یک گنشت و قعده اولی
 و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است
 نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن
 در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام
 بهم فرض است رکعت است ترو ائمه ثلاثه نه ترو امام عظم که ترو او
 وجوب بگیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار
 گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه
 سمع الله لمن حمده گفتن و بین ایستادن رب اغفر لی گفتن
 نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد
 نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی
 ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حر است
 فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

بیان
 در وقت نماز اگر کسی در رکوع اولی و سجده نکرد و رکوع کرد در ثانیه و سجده نکرد و سجده کرد در ثالثه و رکوع نکرد این همه یک گنشت و قعده اولی و خواندن تشهد در آن و هم خواندن تشهد در قعده اخیر فرض است نزد احمد نه ترو غیر او بلکه ترو امام عظم واجب است و ترو خواندن در قعده اخیر بعد تشهد فرض است و ترو شافعی و احمد و سلام بهم فرض است رکعت است ترو ائمه ثلاثه نه ترو امام عظم که ترو او وجوب بگیر است خفض و رفع و در رکوع سبحان بی کفایت یکبار گفتن و در سجده سبحان ربی الا علی یکبار گفتن و وقت توبه سمع الله لمن حمده گفتن و بین ایستادن رب اغفر لی گفتن نزد احمد فرض است نه ترو غیر او لیکن اگر سهوا ترک کند نزد احمد نماز باطل نشود و قرائت بر مقتدی فرض است ترو شافعی ترو غیر او فرض نیست بلکه ترو امام عظم مقتدی اوقات حر است فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

فصل در واجبات نماز و واجبات نماز ترو امام عظم رحمه الله

سنة و سوره سوره سوره
 ان يذبح من كل اذكار
 نماز باطل شود و از ترك واجب بسجده سهو واجب شود
 اگر سجده سهو در نماز درست شد و اگر سجده سهو نكر و يا واجب
 ترك كرد واجب است كه نماز را عاده كند ديكر آنكه در فرض و خوا
 فرق نيكند بلكه آنكه سجده سهو از ترك بعضى اجبات و بعضى سنن
 گوئيد ستمه سجده سهو آنست كه بعد سلام دو سجده كند و نشسته
 در دو دعا خواند سلام دهد و اگر پيش از سلام سجده سهو كنيم و روا
 باشد و اگر در يك نماز چند واجب بسجده ترك كند يكبار سجده سهو كند و
 بش سبوق سجده سهو كنن تباعث امام و اگر در نماز عليه خود سهو
 باز سجده سهو كند ستمه جماعت در نمازهاست پنجگانه فرض است
 نزد احمد ليكن نماز مفرد هم صحيح است و نزد شافعي جماعت فرض
 كفايه است و نزد ابى حنيفه و مالك جماعت سنت موكده است
 قريب واجب احتمال فوت جماعت سنت فخر را كه موكده ترين
 سنتهاست ترك كند و اگر مردم شهرى ترك جماعت عادت كنند

نماز باطل شود و از ترك واجب بسجده سهو واجب شود
 اگر سجده سهو در نماز درست شد و اگر سجده سهو نكر و يا واجب
 ترك كرد واجب است كه نماز را عاده كند ديكر آنكه در فرض و خوا
 فرق نيكند بلكه آنكه سجده سهو از ترك بعضى اجبات و بعضى سنن
 گوئيد ستمه سجده سهو آنست كه بعد سلام دو سجده كند و نشسته
 در دو دعا خواند سلام دهد و اگر پيش از سلام سجده سهو كنيم و روا
 باشد و اگر در يك نماز چند واجب بسجده ترك كند يكبار سجده سهو كند و
 بش سبوق سجده سهو كنن تباعث امام و اگر در نماز عليه خود سهو
 باز سجده سهو كند ستمه جماعت در نمازهاست پنجگانه فرض است
 نزد احمد ليكن نماز مفرد هم صحيح است و نزد شافعي جماعت فرض
 كفايه است و نزد ابى حنيفه و مالك جماعت سنت موكده است
 قريب واجب احتمال فوت جماعت سنت فخر را كه موكده ترين
 سنتهاست ترك كند و اگر مردم شهرى ترك جماعت عادت كنند

سنة و سوره سوره سوره
 ان يذبح من كل اذكار
 نماز باطل شود و از ترك واجب بسجده سهو واجب شود
 اگر سجده سهو در نماز درست شد و اگر سجده سهو نكر و يا واجب
 ترك كرد واجب است كه نماز را عاده كند ديكر آنكه در فرض و خوا
 فرق نيكند بلكه آنكه سجده سهو از ترك بعضى اجبات و بعضى سنن
 گوئيد ستمه سجده سهو آنست كه بعد سلام دو سجده كند و نشسته
 در دو دعا خواند سلام دهد و اگر پيش از سلام سجده سهو كنيم و روا
 باشد و اگر در يك نماز چند واجب بسجده ترك كند يكبار سجده سهو كند و
 بش سبوق سجده سهو كنن تباعث امام و اگر در نماز عليه خود سهو
 باز سجده سهو كند ستمه جماعت در نمازهاست پنجگانه فرض است
 نزد احمد ليكن نماز مفرد هم صحيح است و نزد شافعي جماعت فرض
 كفايه است و نزد ابى حنيفه و مالك جماعت سنت موكده است
 قريب واجب احتمال فوت جماعت سنت فخر را كه موكده ترين
 سنتهاست ترك كند و اگر مردم شهرى ترك جماعت عادت كنند

۳۴
 این کتاب در دسترس است
 در کتابخانه جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 در کتابخانه جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵

با این اقبال باید که در سماء ناعت زنان تنانند و ابی حنیفه مکرده
 و دیگر آمده جائز نیست مسئله ای برای امامت قاری تراست
 از احکام نماز و اوقات باشد پیشتر عالم ترک قرآن بایجو زیاده سلوّه خواند
 نزد اکثر علماء بر عکس آن امامت فاسق جائز نیست با کرامت و مهذب
 مرد قاری با این بگوید که زن امی و اقله ای بمقتضی متغیر حب
 نیست و اگر امی قاری امی را امامت کند نماز هر سه بطل شود و نماز
 پس محدث جائز نیست و از نماز امام نماز مقتدی فاسد شود
 و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی خلف سقیم جائز است و نماز
 رکوع و سجود کننده خلف اشارت کننده جائز نیست مسئله اگر کسی
 مقتدی باشد بر امام بر دست رست بپایند و دو مقتدی زیاد
 خلف امام بپایند و متنا خلف صف اگر کسی نماز گزار و نمازش
 مکروه باشد و نزد احمد نمازش جائز نباشد اگر مقتدی از امام
 مقدم شود نمازش بطل شود این مایه از انس و ایت کرده

آن امامی قول امام ابوحنیفه است
 در کتاب جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 در کتابخانه جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵

این کتاب در دسترس است
 در کتابخانه جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 در کتابخانه جامع
 مسجد جامع اصفهان
 در تاریخ ۱۳۰۲/۰۵/۰۵
 ثبت شده است
 شماره ثبت ۱۳۰۲/۰۵/۰۵

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفنا في الأرض بعدنا وعلوهم فوق السحاب

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 الطيبين الطاهرين
 اجمعين
 بعد من قرأ
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 الطيبين الطاهرين
 اجمعين
 بعد من قرأ
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 الطيبين الطاهرين
 اجمعين

مثل اولی خواند بر بن شتا و تقو و چون رکعت دوم تمام کند
 پای چپ را بگستراند و بران بنشیند و پای راست استاد و از
 انگشتان هر دو پای راست و چپ قبله دارد و هر دو دست ابرو را
 دارد و انگشت خنصر و بنصر از دست راست عقد کند و وسطی و
 ابهام را حلقه کند و انگشت شهادت ناکشاده دارد و تشنه بخوابد
 و وقت شهادت اشارت کند این اشارت از ائمه اربعه مرویست
 لیکن مشهورند بپای امام عظیم است که اشارت نکند و انگشتان
 هر دو دست متوجه قبله دارد و در قعده اولی بر تشنه زیاده
 نکند و بعد از آن تکبیر گوید بپای رکعت سوم برخیزد
 و رفع یدین درین وقت نزد اکثر علما سنت است نه نزد
 ابی حنیفه و شافعی و در رکعت ثالث و رابع فقط سوره فاتحه
 با بسمله است بخواند چون از رکعات فارغ شود قعده اخره کند
 مثل اولی و بعد تشنه در آن در و خواند اللهم صل علی محمد و آله

در این وقت که می خواند
 الحمد لله رب العالمین
 و صلواتی بر او
 می فرستد
 و بعد از آن
 تکبیر گوید
 و بپای رکعت
 سوم برخیزد
 و رفع یدین
 در این وقت
 نزد اکثر
 علما سنت است
 نه نزد ابی
 حنیفه و شافعی
 و در رکعت
 ثالث و رابع
 فقط سوره
 فاتحه با
 بسمله است
 بخواند
 چون از رکعات
 فارغ شود
 قعده اخره
 کند
 مثل اولی
 و بعد تشنه
 در آن در و
 خواند
 اللهم صل
 علی محمد
 و آله

در این وقت که می خواند
 الحمد لله رب العالمین
 و صلواتی بر او
 می فرستد
 و بعد از آن
 تکبیر گوید
 و بپای رکعت
 سوم برخیزد
 و رفع یدین
 در این وقت
 نزد اکثر
 علما سنت است
 نه نزد ابی
 حنیفه و شافعی
 و در رکعت
 ثالث و رابع
 فقط سوره
 فاتحه با
 بسمله است
 بخواند
 چون از رکعات
 فارغ شود
 قعده اخره
 کند
 مثل اولی
 و بعد تشنه
 در آن در و
 خواند
 اللهم صل
 علی محمد
 و آله

اللهم بارک علی محمد بنی پسر و عا و نذر بشابه الفنا ط قرآن و اویسم
 ما ثوره اولی ست خصوص این دعا اللهم انی اعوذ بک من
 عذاب جهنم و اعوذ بک من عذاب القبر و اعوذ بک
 من فتنة السج الدجال و اعوذ بک من فتنة
 الحیاء و الممات اللهم انی اعوذ بک من السام
 و المفرم وزن در هر دو جلوه بر سرین چپ بنشیند و هر دو
 پا از جانب راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر
 نیت کند ملائکه را و امام مقتدیان آن طرف ملائکه را و مقتدی
 امام و قوم و ملائکه را و باید که نماز بخضور و خشوع گزارد و نطق نماز
 بسجده گاه دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله
 سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبری و چهار بار و کلید توحید
 یکبار خواند فصل اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان
 نماز بنشیند و اگر سفر باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است

در هر دو جلوه بر سرین چپ بنشیند و هر دو پا از جانب راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر نیت کند ملائکه را و امام مقتدیان آن طرف ملائکه را و مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید که نماز بخضور و خشوع گزارد و نطق نماز بسجده گاه دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبری و چهار بار و کلید توحید یکبار خواند فصل اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنشیند و اگر سفر باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است

در هر دو جلوه بر سرین چپ بنشیند و هر دو پا از جانب راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر نیت کند ملائکه را و امام مقتدیان آن طرف ملائکه را و مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید که نماز بخضور و خشوع گزارد و نطق نماز بسجده گاه دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبری و چهار بار و کلید توحید یکبار خواند فصل اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنشیند و اگر سفر باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است

در هر دو جلوه بر سرین چپ بنشیند و هر دو پا از جانب راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر نیت کند ملائکه را و امام مقتدیان آن طرف ملائکه را و مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید که نماز بخضور و خشوع گزارد و نطق نماز بسجده گاه دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبری و چهار بار و کلید توحید یکبار خواند فصل اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنشیند و اگر سفر باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است

در هر دو جلوه بر سرین چپ بنشیند و هر دو پا از جانب راست بیرون آرد و سلام گوید هر دو جانب منفر نیت کند ملائکه را و امام مقتدیان آن طرف ملائکه را و مقتدی امام و قوم و ملائکه را و باید که نماز بخضور و خشوع گزارد و نطق نماز بسجده گاه دارد و بعد سلام آیت الکرسی یکبار و سبحان الله سه بار و الحمد لله سی و سه بار و الله اکبری و چهار بار و کلید توحید یکبار خواند فصل اگر در نماز حدث لاحق شود وضو کند و بر همان نماز بنشیند و اگر سفر باشد او را از سر نو نماز خواندن افضل است

نماز هر دو فاسد نشود و در وقت نماز اگر زن طهری
را غیبه کرده باشد سزا که اگر امام از قرائت بند شود او را غیبه
گرفتن جائز است اگر بگوید بنده من سوره بخواند یا سوره بخواند یا سوره بخواند
امام او را نماز در یاد هر جا که امام را در یاد در همان رکن منحل شود
و اگر رکوع یافت رکعت یافت و اگر رکعت نیافت پس هرگاه
امام نماز خود تمام کند مستحب است بعد از فراغ امام آنچه فوت شده آن
نموده خواند و نماز سبوت در حق قرائت حکم اول نماز دارد و در حق
قبول حکم آن نماز اگر مصلی بعد از رکعت بفراموشی برآید
رکعت ثانی برتقا و قعدۀ اولی نکرد پس تا که قریب قعدۀ پیشین نشیند
و سجده سهو واجب نشود و اگر نزدیک قیامت است استاده شود و از باب
نشستن این نماز فاسد نشود و سجده سهو کند و اگر بعد چهار رکعت برخیزد
تا که رکعت پنجم را سجود کرده است بنشیند و قعدۀ اخیر کرده سلام دهد و سجده
سهو کند و اگر رکعت پنجم را سجده کرده و فرض را باطل شد اگر خواه

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

در مجرای این سلسله منیر
ایستاد بزم سلطنت
خداوند غایت
نورانی خلیفه است
مورد حاجت مستجاب

سوم و تحقیق در زومه او شش فائمه شود نو باشد یا کمنه پسر
 هرگاه فوائت او کند باز ترتیب عود نماید و اگر شش نماز یا زیاد
 فوت شود و چند نماز قضا کرد تا که کم از شش در زومه باقی ماند
 نزد بعضی ترتیب عود کند و قنوی نیست که ترتیب عود کند تا که تمام
 نشود فصل در مفادات مکروبات کلام اگر چه سهوا باشد یا در خواب
 مفید نماز است و همچنین عابجه یک طلب آن از آدمیان ممکن باشد
 و ناله کردن و آواده گفتن و اف گفتن و گریستن با و از اورد
 یا مصیبت نه از ذکر بهشت و دفع و تخسین بی عذر کردن و
 عاقلش را بر حکم الله گفتن و جواب دادن خبر خوشی بپسند
 و خبر بد با شرجاع و خبر تعجب بپسندان الله یا لاهول و لا قوه
 الا بالله نماز را فاسد کند و اگر بر غیر امام خود مستح کند نماز فاسد
 شود و از فتح بر امام خود نماز فاسد نه شود و سلام عمدا و بره
 سلام نماز را فاسد کند نه سلام سهوا و خواندن از بر صحت خوردن

هم غصه است ۵۹ قرا خواندن معاصی اگر بعد از نماز باشد اگر در دوران کسرت از نماز باطل باشد و فاسد نشود اگر کمالا و نماز غاصه اگر اندک از کمالا
 ۵۸ قرا خواندن معاصی اگر بعد از نماز باشد اگر در دوران کسرت از نماز باطل باشد و فاسد نشود اگر کمالا و نماز غاصه اگر اندک از کمالا

فاسد نماز است اگر بعد از نماز باشد اگر در دوران کسرت از نماز باطل باشد و فاسد نشود اگر کمالا و نماز غاصه اگر اندک از کمالا
 ۵۸ قرا خواندن معاصی اگر بعد از نماز باشد اگر در دوران کسرت از نماز باطل باشد و فاسد نشود اگر کمالا و نماز غاصه اگر اندک از کمالا
 ۵۹ قرا خواندن معاصی اگر بعد از نماز باشد اگر در دوران کسرت از نماز باطل باشد و فاسد نشود اگر کمالا و نماز غاصه اگر اندک از کمالا

و اما شنیدن و عمل کثیر نماز را فاسد کند و عمل کثیر آنست که در آن
 محتاج شود به دو دست و تری بعضی آنچه بنینده عامل او را دانند که
 در نماز نیست و بعضی گفته اند آنچه که مصلی آنرا کثیر دانند و اگر ریخت
 سجده کرد نماز فاسد شود و اگر در نماز بود و نمازی دیگر شروع
 کرد بیک نماز اول باطل شود و اگر در همان نماز باز شروع کرد بیک نماز
 اول باطل نشود و اگر طاعتی که در زمان بود از زبان یا مرده خود
 اگر از خودست نماز فاسد نشود و اگر مقدار بخوبست فاسد شود و
 اگر در یکتوبی نظر کرد و پیش نمید نماز فاسد شود اگر بر زمین یا مکان نماز
 میخواند و از پیش او کسی گذشت نماز فاسد نشود اگر چه گذرنده زن
 باشد یا سگ یا خر لیکن اگر عاقلی گذشته گذرنده عاصی شود و اگر وقتیکه
 در مکان بلند باشد به تمیکه سر او مقابل پای مصلی نشود و نیست آنست
 که پیش خود مصلی در صحرای بر سر راه ستره قائم کند بطول یک ذراع
 و پری یک انگشت و قریب خود مقابل آبروی رست یا چپ

اینکه نماز را فاسد کند و عمل کثیر آنست که در آن محتاج شود به دو دست و تری بعضی آنچه بنینده عامل او را دانند که در نماز نیست و بعضی گفته اند آنچه که مصلی آنرا کثیر دانند و اگر ریخت سجده کرد نماز فاسد شود و اگر در نماز بود و نمازی دیگر شروع کرد بیک نماز اول باطل شود و اگر در همان نماز باز شروع کرد بیک نماز اول باطل نشود و اگر طاعتی که در زمان بود از زبان یا مرده خود اگر از خودست نماز فاسد نشود و اگر مقدار بخوبست فاسد شود و اگر در یکتوبی نظر کرد و پیش نمید نماز فاسد شود اگر بر زمین یا مکان نماز میخواند و از پیش او کسی گذشت نماز فاسد نشود اگر چه گذرنده زن باشد یا سگ یا خر لیکن اگر عاقلی گذشته گذرنده عاصی شود و اگر وقتیکه در مکان بلند باشد به تمیکه سر او مقابل پای مصلی نشود و نیست آنست که پیش خود مصلی در صحرای بر سر راه ستره قائم کند بطول یک ذراع و پری یک انگشت و قریب خود مقابل آبروی رست یا چپ

[illegible]

روزنامه پارس

غیر کون

13/11/2013

من فاضل

تأليف

بکری

19

224

از کتابت و ترمیم

2

و نه دادن ستره و خط کشیدن فائده ندارد و ستره امام قوم را
کفایت میکند و گذرنده را اگر ستره نباشد مصلی از گذشتن دفع کند یا
یا ستره نه بهر دو مسئله اگر نماز کند بر پارچه دوته که ستر آن نجس باشد
اگر آن دوته مضرب نباشد نماز صحیح باشد و اگر مضرب باشد صحیح نباشد
و اگر بر پارچه گسترانیده نماز کند که یک طرف ازان نجس باشد نماز
روا باشد از حرکت دادن طرفی دیگر طرف متحرک شود یا نشود
و اگر پارچه دراز باشد یک طرفی ازان پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر
نجس بر زمین باشد اگر از تحریک مصلی طرف پارچه که نجس است متحرک
میشود نماز روا نباشد و اگر متحرک نمیشود روا باشد مسئله مکرر است
عبث کردن در نماز بر پارچه یا بدن اگر عمل قلیل باشد و اگر عمل
کثیر است مفسد است و سنگزیه از موضع سجود یکسو کردن مکرر در صورت
سجود ممکن نباشد یکبار یا دو بار سنگزیه دفع کند و مکرر است
را مالیده و کشیده با و از آوردن و دست بر تکی گاه

[illegible]

آیات و تنبیحات بدست و نزد صاحبین مکرده نیست و
مکرده است که امام تنها در طاق مسجد باشد و مردم بیرون
یا امام بر بلندی باشد و مردم هم در زیر و مکرده است
ایستادن پس صف تنها در صورتی که در صف فرجه باشد و
اگر فرجه نباشد یک کفش از صف کشیده با خود صف کند مکرده است
پوشیدن پارچه که در آن تصویر آدمی یا جانور باشد یا آنکه تصویر
بالای سر باشد یا مقابله رویا بدست رست یا چپ باشد
اگر زیرت بم یا پیش پشت باشد مضائقه ندارد و تصویر پشت
و مانند آن مضائقه ندارد و همچنین تصویر سر بریده و قتل ^{ناروا}
مار و کژدم در نماز مکرده نیست و نه آنکه امام در سجده
باشد و سجده در طاق مسجد کند و نیز مکرده
نیست نماز خواندن بطرف پشت مردمی که سخن میگوید
و بسوی صحیفه یا شمیر آویزان یا بسوی شمع یا چراغ

[illegible]

و در نماز جمعه گزارند و در آنجا تقیم کسی نباشد و امام غلط جمع صحیح باشد و نزد شافعی و احمد تا که چل کس حقیق صحیح نباشد جمعه روا نباشد مسلمه غیر مغرور اگر پیش از جمعه ظهر گزارد و ظهر او شود با اگر است تحریم پس اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه منور فارغ نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه ایافت بته و الا ظهر باز گزارد و نزد صاحبین ح اگر جمعه او دنیا بد ظهر باطل نشود مسلمه مغرور و مسجون از روز جمعه نماز ظهر بجاعت گزاردن مکروه است مسلمه هر که در نماز جمعه در تشهد یا در سجود سهو دریت و دخول نماز شد بعد سلام امام دو رکعت جمعه تمام کند و نزد محمد اگر از رکعت ثانیه کوع نیافته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریمه تمام کند مسلمه چون جمعه اذان اول گفته شود سعی واجب گردد و قبیح حرام شود و چون امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد تا که از خطبه فارغ شود و چون امام بر بنشیند اذان دوم رو برد

و در نماز جمعه گزارند و در آنجا تقیم کسی نباشد و امام غلط جمع صحیح باشد و نزد شافعی و احمد تا که چل کس حقیق صحیح نباشد جمعه روا نباشد مسلمه غیر مغرور اگر پیش از جمعه ظهر گزارد و ظهر او شود با اگر است تحریم پس اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه منور فارغ نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه ایافت بته و الا ظهر باز گزارد و نزد صاحبین ح اگر جمعه او دنیا بد ظهر باطل نشود مسلمه مغرور و مسجون از روز جمعه نماز ظهر بجاعت گزاردن مکروه است مسلمه هر که در نماز جمعه در تشهد یا در سجود سهو دریت و دخول نماز شد بعد سلام امام دو رکعت جمعه تمام کند و نزد محمد اگر از رکعت ثانیه کوع نیافته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریمه تمام کند مسلمه چون جمعه اذان اول گفته شود سعی واجب گردد و قبیح حرام شود و چون امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد تا که از خطبه فارغ شود و چون امام بر بنشیند اذان دوم رو برد

و در نماز جمعه گزارند و در آنجا تقیم کسی نباشد و امام غلط جمع صحیح باشد و نزد شافعی و احمد تا که چل کس حقیق صحیح نباشد جمعه روا نباشد مسلمه غیر مغرور اگر پیش از جمعه ظهر گزارد و ظهر او شود با اگر است تحریم پس اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه منور فارغ نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه ایافت بته و الا ظهر باز گزارد و نزد صاحبین ح اگر جمعه او دنیا بد ظهر باطل نشود مسلمه مغرور و مسجون از روز جمعه نماز ظهر بجاعت گزاردن مکروه است مسلمه هر که در نماز جمعه در تشهد یا در سجود سهو دریت و دخول نماز شد بعد سلام امام دو رکعت جمعه تمام کند و نزد محمد اگر از رکعت ثانیه کوع نیافته است چهار رکعت ظهر بر همان تحریمه تمام کند مسلمه چون جمعه اذان اول گفته شود سعی واجب گردد و قبیح حرام شود و چون امام بر آید برای خطبه سخن گفتن و نماز گزاردن ممنوع باشد تا که از خطبه فارغ شود و چون امام بر بنشیند اذان دوم رو برد

و با هر تکبیر هر دو دست بردارد و پستتر تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجده سهو لازم گردد و نماز
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم ادا کنند نه بعد از آن
 و عید الاضحی را تا خیر تا دوازدهم جایز است مسکنه عید الا
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید
 جایز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد
 مسکنه تکبیرات تشریف بعد هر نماز فرض که بجاعت گزارده
 برقیقیم بصبر و حب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام
 و تا عصر تاریخ سیزدهم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن
 یا مسافر اقتدا بقیقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر

و بعد از این تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجده سهو لازم گردد و نماز
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم ادا کنند نه بعد از آن
 و عید الاضحی را تا خیر تا دوازدهم جایز است مسکنه عید الا
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید
 جایز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد
 مسکنه تکبیرات تشریف بعد هر نماز فرض که بجاعت گزارده
 برقیقیم بصبر و حب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام
 و تا عصر تاریخ سیزدهم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن
 یا مسافر اقتدا بقیقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر

و بعد از این تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع
 در نماز عید واجبست اگر فوت شود سجده سهو لازم گردد و نماز
 عید اگر کسی همراه امام در نیاید آنرا قضای نیست و اگر بعد از نماز
 عید الفطر از امام و قوم فوت شود روز دوم ادا کنند نه بعد از آن
 و عید الاضحی را تا خیر تا دوازدهم جایز است مسکنه عید الا
 مثل عید الفطر است مگر آنکه استحباب است که بعد نماز از اضحیه خود
 بخورد و قبل نماز هم خوردن مکروه نیست و اضحیه پیش از نماز عید
 جایز نیست و تکبیر در راه مصلی در عید الاضحی سبب میگرفته باشد
 مسکنه تکبیرات تشریف بعد هر نماز فرض که بجاعت گزارده
 برقیقیم بصبر و حب است از صبح روز عرفه تا عصر روز عید نزد امام ام
 و تا عصر تاریخ سیزدهم نزد صاحبین و فتوی بر آنست و اگر زن
 یا مسافر اقتدا بقیقیم کند بر آنها هم تکبیر واجب شود بگوید یکبار
 بآواز بلند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر

و بعد زوال پیش از ظهر چهار رکعت نفل مروی گشته و هرگاه وضو
 جدید کند تحیت الوضو دو گانه سنت است و هرگاه در مسجد در آید و
 رکعت تحیت مسجد سنت است و بعد عصر تا مغرب در دو رکعت
 مشغول ماندن سنت است بلکه جماعت در نفل مکروه است
 مگر در رمضان سنت است که میت رکعت بدو سلام بگذارد
 با جماعت در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان تمام
 شود و از کس قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غیب باشند در تمام
 رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت
 بمقدار آن چهار رکعت جلوس و بعد اگر مشغول شد و این تراویح
 گویند و بعد تراویح و ترجماعت گزارد و سوا رمضان و تر
 جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کاری پیش آید سنت
 که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه
 حمد خدا و در دو بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

و بعد از نماز هر روز در هر رکعت
 در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان تمام
 شود و از کس قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غیب باشند در تمام
 رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت
 بمقدار آن چهار رکعت جلوس و بعد اگر مشغول شد و این تراویح
 گویند و بعد تراویح و ترجماعت گزارد و سوا رمضان و تر
 جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کاری پیش آید سنت
 که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه
 حمد خدا و در دو بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

و بعد از نماز هر روز در هر رکعت
 در هر رکعت ده آیت خواند تا در تمام رمضان تمام
 شود و از کس قوم ازین کم نکند و اگر قوم را غیب باشند در تمام
 رمضان دو ختم یا سه ختم یا چهار ختم کند و بعد هر چهار رکعت
 بمقدار آن چهار رکعت جلوس و بعد اگر مشغول شد و این تراویح
 گویند و بعد تراویح و ترجماعت گزارد و سوا رمضان و تر
 جماعت مکروه است نماز استخاره اگر کاری پیش آید سنت
 که استخاره کند وضو کند و دو گانه نفل گزارد و بعد دو گانه
 حمد خدا و در دو بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا بخواند

۴
 طبع از ادب الهی
 آفریده و خواش از نیست
 غیرت بی چون و چو نیست
 در دنیا بدین کس نیست
 که نعمت خدای در
 خلق بزرگ ازین تبار
 تبارت است بخدای
 بود که کار عالم را
 که تو را عالم را
 زلالی رحمت است
 خلقت که عالم را
 آفرینش از موهبت
 غنیمت از موهبت
 دوست از موهبت
 دوست از موهبت

گزارد و حمد و صلوة گفته این دعا بخواند لا اله الا الله
اعلیم الکریم سبحان القدر العرش العظیم اسم محمد
رب العالمین اساکل موجبات رحمتک وعزائم
مغفرتک والغنیمة من کل بر والعصمة من کل ذنب
والسلامة من کل اثم لاتع لی ذنب الاغفرته ولاها
الا فرجة ولا وینا الا قضیت ولا حاجة من حوائج الدنیا
والآخرة هی کاک رضا الا قضیتها یا ارحم الراحمین
نماز تسبیح صلوة التسبیح برای مغفرت جمیع ذنوب صغیر
وکبیر خطا و عمد سر و علانیة در حدیث آمده پیغمبر خدا
غم خود عباس را رضی الله عنه آموخته بود چهار رکعت در
هر رکعت بعد قنوت پانزده بار سبحان الله و الحمد لله
ولا اله الا الله و الله اکبر خواند و در رکوع ده بار و در قنوت
ده بار و در سجده ده بار و در طحیه ده بار و در سجده دوم

کلمه اولیٰ در حدیث است که
 پس از دو حدیث دیگر
 فضیلت از هر یکی از اینها
 برگزیده و سلام است از هر یک
 بواسطه این پنج کتاب که
 بیان فرموده و پنج از اینها
 مگر آنکه کتابی از این پنج
 کتاب که در اسلام است از این
 از فاضل است دنیا و آخرت که
 شایسته است که از آن برای
 است مویان و از آن برای
 فقه و اصول و این پنج
 مویان نیز که وارد شده در

قریب چهار در گوشت
 در در زبان باشد
 یاد و شب و روز
 روز بعد از سال
 قبل ظهر هر روز
 که در روایت
 عبد الله بن عمر
 آمده قابل نقل
 رسول الله

۴۷

[illegible]

وہابی القلوب سے نمودار ہوئے
دفعۃً بآں موطن و غلبت شاید کرداران
باید که آزار ہم دوش از لبث عادت
گفتہ صافہ استیلا الجبارک رحمۃ اللہ علیہ
ابن خزیمہ و عبد الرحمن بن قتیبة

ده بار و بعد سجده دوم نشسته ده بار پس در هر رکعت هفت
 پنج بار و در چهار رکعت سه صد بار بخواند اگر رکعت دوم
 داشته باشد این نماز هر روز خوانده باشد و اگر نه در هفته
 یک بار و الا در ماهی یک بار و الا در سالی یک بار و
 الا در تمام عمر یک بار و بهتر آنست که در چهار رکعت از
 مسجدها چهار سوره خواند و مسجدها هفت سوره است سوره
 بنی اسرائیل حدید و مشر و صفت و جمعه و تغابن و اعلیٰ نماز کسوف
 چون آفتاب کسوف کند سنت است که امام جمعه در رکعت
 نماز گزارد و در هر رکعت یک کسوف کند مثل دیگر نمازها و قرائت
 بسیار در آن خواند و آهسته و تدریجاً و صابراً و جویبار
 بقرات کند و بعد از آن بکسر مشغول باشد تا که آفتاب روشن
 شود و اگر جماعت نباشد تنها خواند دو گانه یا چهار گانه همچنین
 در خسوف ماه و ظلمت شدت باد و زلزله و مانند آن

و درین نماز و قضا و کمال
نظمی بود و در شانه
شیرین بود و در اندامها
قوله دایم خنده میزدند و
نفکشانست و ملک غریب
معصوم جان است که بخت
گماشت عابدان و پادشاهان

و اما چنانچه در خود گردانند نه قوم ستمه نفل شروع واجب شود
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند
 یا در یک رکعت از شفعه شانیه قرائت کند و پس و
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد کرد و رکعت
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیعین باطل نه شود

و اما چنانچه در خود گردانند نه قوم ستمه نفل شروع واجب شود
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند
 یا در یک رکعت از شفعه شانیه قرائت کند و پس و
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد کرد و رکعت
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیعین باطل نه شود

و اما چنانچه در خود گردانند نه قوم ستمه نفل شروع واجب شود
 و اگر فاسد کند دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر
 نیت چهار گانه کرده بود و پیش از قعدہ اولی فاسد کرده
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه چهار
 رکعت نفل گزارد و در هر چهار رکعت قرائت ترک کند
 یا در یک رکعت از شفعه شانیه قرائت کند و پس و
 اگر قرائت کرد و در رکعت اولین فقط یاد کرد و رکعت
 فقط یا ترک کرد و قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک
 رکعت از آخرین درین چهار صورت با اتفاق دو گانه قضا
 کند و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن
 یا در یکی از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدہ
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیعین باطل نه شود

[illegible]

[illegible]

همان آیه خواند یک سجده کفایت کند و اگر سجده کرد پس نماز
شروع کرد و باز همان آیه خواند باز سجده کند ^{مسئله} اگر شخصی در
مجلس یک آیه سجده بارها خواند یک سجده کفایت کند و اگر آیه دیگر
خواند یا مجلسی دیگر شد سجده دیگر کند و اگر مجلس تلاوت کننده متحد
است مجلس سامع غیر متحد تلاوت کنند یک سجده واجب شود
و بر سامع و سجد و بعکس آن اگر مجلس سامع متحد باشد نه مجلس تلاوت کننده
^{یعنی بر سامع یک سجده و بر تلاوت کننده متحد ۱۲}
مسئله کیفیت سجده آنست که با شتر الط نماز تکبیر گویان بسجده
توسیعاً گوید و تکبیر گویان در سجده بر دارد و تحریریه تشهد و سلام در سجده
تلاوت نیست ^{مسئله} مکرر است که تمام سوره خواند و آیت سجد بخواند
و بعکس مکرر نیست و یکدو آیه یا آیه سجده ضم کرده خواندن بهتر است
و بهتر آنست که آیه سجده ^{۱۳} آهسته خواند تا بر سامعان سجده واجب نشود

کتاب ایجنائز

موت ہمیشہ یادداشتن وضعیت نامہ با وجب بہ الوصیتہ

درین
 و داخل زمین
 اگر یک آیت
 یک سوره
 اما اگر یک
 سوره یا یک
 کتاب
 در جامع الامور گفته که
 است در سوره تلاوت که
 ان کان دعوت بن الحسن و
 علی و طاهر بن الحسن و
 است تم کردن در سوره تلاوت
 پنج سوره صلوة و دعای حضرت
 موسی علیه السلام از خلعت
 ترکات و درین از خلعت
 سوره و دعای از خلعت
 کبریا و درین از خلعت
 درین زمین

[illegible]

تو منی و این جهان
جانم که این کلمات
یعنی اندیشه در این کلمات
هم افزوده از او در این کلمات
عندک میا را و جمل است
بها در دوا و قلیهای
عندک و نواز قلیهای
که نقیشتان به سحر
با دو دست است
چون در حدان مقام کند
در این کلمات

مسئله نماز بر سپان جائز نیست
مسئله نماز بر مرده غائب بر عضوی کمتر از نصف نیست
مسئله طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود
والله مسئله طفلی که از دار الحرب بدون مادر و پدر بندی
کرده شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل بود و مسلمان
شد درین هر دو صورت اگر آن طفل پیر و نماز بروی کرده شود
مسئله سنت آنست که جنازه را چهار کس بردارند و بسجده
روان شوند نه پویان و همراهیانش پیش جنازه روان شوند
و تا که جنازه بر زمین نهاده نشود نه نشینند مسئله سجده در قبر
کرده شود و میت از جانب قبله داخل کرده شود و وقت
نهادن بسم الله و علی مله رسول الله گفته شود و روی بسوی
قبله کرده شود و قبر زن پوشیده شود و خشت خام یانی نهاد
خاک اینپاشته شود و قبر مثل گویان شتر کرده شود

مسئله نماز بر سپان جائز نیست
مسئله نماز بر مرده غائب بر عضوی کمتر از نصف نیست
مسئله طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود
والله مسئله طفلی که از دار الحرب بدون مادر و پدر بندی
کرده شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل بود و مسلمان
شد درین هر دو صورت اگر آن طفل پیر و نماز بروی کرده شود
مسئله سنت آنست که جنازه را چهار کس بردارند و بسجده
روان شوند نه پویان و همراهیانش پیش جنازه روان شوند
و تا که جنازه بر زمین نهاده نشود نه نشینند مسئله سجده در قبر
کرده شود و میت از جانب قبله داخل کرده شود و وقت
نهادن بسم الله و علی مله رسول الله گفته شود و روی بسوی
قبله کرده شود و قبر زن پوشیده شود و خشت خام یانی نهاد
خاک اینپاشته شود و قبر مثل گویان شتر کرده شود

مسئله نماز بر سپان جائز نیست
مسئله نماز بر مرده غائب بر عضوی کمتر از نصف نیست
مسئله طفل بعد ولادت اگر آواز کرد بران نماز کرده شود
والله مسئله طفلی که از دار الحرب بدون مادر و پدر بندی
کرده شد و یا یکی از پدر و مادرش مسلمان شد یا خود عاقل بود و مسلمان
شد درین هر دو صورت اگر آن طفل پیر و نماز بروی کرده شود
مسئله سنت آنست که جنازه را چهار کس بردارند و بسجده
روان شوند نه پویان و همراهیانش پیش جنازه روان شوند
و تا که جنازه بر زمین نهاده نشود نه نشینند مسئله سجده در قبر
کرده شود و میت از جانب قبله داخل کرده شود و وقت
نهادن بسم الله و علی مله رسول الله گفته شود و روی بسوی
قبله کرده شود و قبر زن پوشیده شود و خشت خام یانی نهاد
خاک اینپاشته شود و قبر مثل گویان شتر کرده شود

۶۰
کرمین اندازد و در می نیست بگو
اصحابی که اهل دفعه چهارم
خودن صیت کردانی
و در این روز

استخوانها را بر دست
گردد باشد غار خود را بر زمین
تا کرده و یک کوه خوار شود و نماز
لا اله الا الله می بخشد
توبه کند اگر بیرون خواندن

دخست پخته و چونه و چوب در آن کردن مکروه است بلکه آنچه
بر قبور اولیاء عمارت های رفیع بنامی کتبد و چراغان روشن میکنند
و ازین قبیل هر چه میکنند حرام است یا مکروه ^{از غلات و پود و سبزیان} بلکه اگر بدو نان
نماز جنازه مرده دفن کرده شد بر قبر نماز جنازه خوانده شود تا
روز و بعد سه روز نماز بر قبر جائز نیست نزد امام اعظم رح و پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم بعد هفت سال قریب فات خود بر شهدا
احد نماز جنازه خوانده شاید که این خصوصیت شهدا باشد
که بدن آنها منفسخ نمی شود ^{فصل} در شهید کسی که از دست
اهل حرب یا اهل بغی یا قطاع الطرق کشته شد یا در
جنگ گاه یافته شد و بروی اثر قتل است یا در اسلحه
تسلیم کشته و دیت از قتل او واجب نشد و آن کس
طفل یا دیوانه یا مجنب یا زن ^{است قتل نماز} حائضه نیست و پیش از
مردن از خوردن یا آشامیدن یا علاج کرده شدن

۱۱- خداوندی
 ۱۲- منعم
 ۱۳- در این
 ۱۴- در این
 ۱۵- در این
 ۱۶- در این
 ۱۷- در این
 ۱۸- در این
 ۱۹- در این
 ۲۰- در این
 ۲۱- در این
 ۲۲- در این
 ۲۳- در این
 ۲۴- در این
 ۲۵- در این
 ۲۶- در این
 ۲۷- در این
 ۲۸- در این
 ۲۹- در این
 ۳۰- در این
 ۳۱- در این
 ۳۲- در این
 ۳۳- در این
 ۳۴- در این
 ۳۵- در این
 ۳۶- در این
 ۳۷- در این
 ۳۸- در این
 ۳۹- در این
 ۴۰- در این
 ۴۱- در این
 ۴۲- در این
 ۴۳- در این
 ۴۴- در این
 ۴۵- در این
 ۴۶- در این
 ۴۷- در این
 ۴۸- در این
 ۴۹- در این
 ۵۰- در این
 ۵۱- در این
 ۵۲- در این
 ۵۳- در این
 ۵۴- در این
 ۵۵- در این
 ۵۶- در این
 ۵۷- در این
 ۵۸- در این
 ۵۹- در این
 ۶۰- در این
 ۶۱- در این
 ۶۲- در این
 ۶۳- در این
 ۶۴- در این
 ۶۵- در این
 ۶۶- در این
 ۶۷- در این
 ۶۸- در این
 ۶۹- در این
 ۷۰- در این
 ۷۱- در این
 ۷۲- در این
 ۷۳- در این
 ۷۴- در این
 ۷۵- در این
 ۷۶- در این
 ۷۷- در این
 ۷۸- در این
 ۷۹- در این
 ۸۰- در این
 ۸۱- در این
 ۸۲- در این
 ۸۳- در این
 ۸۴- در این
 ۸۵- در این
 ۸۶- در این
 ۸۷- در این
 ۸۸- در این
 ۸۹- در این
 ۹۰- در این
 ۹۱- در این
 ۹۲- در این
 ۹۳- در این
 ۹۴- در این
 ۹۵- در این
 ۹۶- در این
 ۹۷- در این
 ۹۸- در این
 ۹۹- در این
 ۱۰۰- در این

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۔ قولہ زیارت تجوید
۲۔ زیارت بطور تکرار
۳۔ زیارت کر تکرار
۴۔ زیارت تکرار
۵۔ زیارت تکرار
۶۔ زیارت تکرار
۷۔ زیارت تکرار
۸۔ زیارت تکرار
۹۔ زیارت تکرار
۱۰۔ زیارت تکرار

七

[illegible][illegible]

۱۶۴
 از فروع آن
 از فروع آن
 از فروع آن

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد

خدمت و مصلحت است
 خدمت و مصلحت است
 خدمت و مصلحت است

فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای

بعد آنها باشد فائده اکثر محققین نیست که اگر کسی مرده را ثواب
 نماز یا روزه یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بخشد میرسد بلکه
 سجده کردن بسوی قبور انبیا و اولیا و طواف گرد قبور کردن
 و دعا از آنها خواستن و غیره برای آنها قبول کردن حرام است
 بلکه چیزهای از آنها بکفر میسرسانند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 بر آنها لعنت گفته و از ان منع فرموده و گفته که قبر مرثیت نکنید

کتاب الزکوة

کن دوم از ارکان اسلام زکوة است چون بعضی قبایل عرب
 بعد وفات رسول الله صلی الله علیه و سلم خوانند که زکوة دهند
 ابو بکر صدیق قصد جهاد با آنها فرمود و بران اجماع منعقد شد
 منکر وجوب زکوة کافرست تارک آن فاسق مستکبر زکوة واجبست
 بر هر مسلم عاقل بالغ که مالک ثواب باشد و فراغ باشد آن نصاب از
 حوائج اولیه و دین نصاب می باشد و بر وسای تمام گذشته باشد

و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد

فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای

و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد

فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای

و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد
 و بعد از آن ساری و فرائد

فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای

فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای
 فردی که بای زینت باشد برای

۱۵
 قوردریانی
 خضرت
 آستان
 ارتفاع
 بیست
 ممکن
 باوجود
 کجاست
 عابد
 عابد

مسئله اگر بعد ملک نصاب پیش از تمام سال زکوة یک سال یا
زکوة چند سال پیشگی ادا کرده و او شود مسئله اگر مالک یک نصاب زکوة چند
نصاب دو بعد از زکوة مذکور مالک چند نصاب شد تا هم ادا
بماند مسئله زکوة در مال حبسی و مجنون واجب نشود نزدایی حنیفه
و زوائمه ملته واجب شود و زوالی از طرف ادا داند مسئله در مال ضام
یعنی الیکه گم شده باشد یا در و یا افتاده باشد یا کسی غصب کرده
باشد و بران شود و نباشد یا در صحرا مدفون بود و مکانش فراموش
شده باشد یا درین باشد بر کسی و در یون منکر باشد و شهود بران
نباشد یا بادشاه یا مانند آن یعنی کسیکه فریاد او نزد دیگری
ممکن نباشد و بصادره گرفته باشند درین چنین مال زکوة
واجب نیست و اگر این مال باز بدست آید بابت ایام گذشته
زکوة واجب نشود و اگر درین باشد بر مقرر اگر چه مفلس باشد یا
بران دین شهود باشند یا در علم قاضی باشد یا در حین

بیاض

[illegible]

پیش از خروج بمصلی ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکرد
هرگاه خواهد قضا کند ^{بعد از نماز صبح} سله مقدار صدقه فطر نصف صاع است
از گندم یا آرد گندم یا سوپ گندم یا یک صاع است از خرما
یا جو و شمش مثل گندم است ^{فاری است} و امام ^{عظمی} مثل جو نیز قضا
صاع ظرفی باشد که در آن هشت طل از عیس یا ماش یا مانند
آن گنجد و در ابی یوسف پنج طل و ثلث طل و طل سب است
باشد هر چهار نیمه شقال پس زن یک طل برابر می و پیش و پی
سکه دلی است و دادن قیمت عوض صدقه فطر جائز است فصل دیگر
صدقه نافله است بوالدین و اقربین و یتامی و مساکین و میت
و مساکین غنیه بدو قال الله تعالی یسکونک ما ذانیفقون
قل ما انفقتم من خیر فلما ولدین الا لیکن بهتر آنست که آنچه
از حوائج اصلی و دلیون و نفقات و حقوق و اجبه با بدو و در
خرج نکند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعثت خیر نفقه

این صاع فطری است که در روز عید صدقه فطر ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکرد
هرگاه خواهد قضا کند سله مقدار صدقه فطر نصف صاع است از گندم یا آرد گندم یا سوپ گندم یا یک صاع است از خرما
یا جو و شمش مثل گندم است و امام عظمی مثل جو نیز قضا صاع ظرفی باشد که در آن هشت طل از عیس یا ماش یا مانند
آن گنجد و در ابی یوسف پنج طل و ثلث طل و طل سب است باشد هر چهار نیمه شقال پس زن یک طل برابر می و پیش و پی
سکه دلی است و دادن قیمت عوض صدقه فطر جائز است فصل دیگر صدقه نافله است بوالدین و اقربین و یتامی و مساکین و میت
و مساکین غنیه بدو قال الله تعالی یسکونک ما ذانیفقون قل ما انفقتم من خیر فلما ولدین الا لیکن بهتر آنست که آنچه
از حوائج اصلی و دلیون و نفقات و حقوق و اجبه با بدو و در خرج نکند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعثت خیر نفقه

منشور در این کتاب است که در روز عید صدقه فطر ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکرد
هرگاه خواهد قضا کند سله مقدار صدقه فطر نصف صاع است از گندم یا آرد گندم یا سوپ گندم یا یک صاع است از خرما
یا جو و شمش مثل گندم است و امام عظمی مثل جو نیز قضا صاع ظرفی باشد که در آن هشت طل از عیس یا ماش یا مانند
آن گنجد و در ابی یوسف پنج طل و ثلث طل و طل سب است باشد هر چهار نیمه شقال پس زن یک طل برابر می و پیش و پی
سکه دلی است و دادن قیمت عوض صدقه فطر جائز است فصل دیگر صدقه نافله است بوالدین و اقربین و یتامی و مساکین و میت
و مساکین غنیه بدو قال الله تعالی یسکونک ما ذانیفقون قل ما انفقتم من خیر فلما ولدین الا لیکن بهتر آنست که آنچه
از حوائج اصلی و دلیون و نفقات و حقوق و اجبه با بدو و در خرج نکند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعثت خیر نفقه

94

[illegible]

هم تعیین نیت فرض وقت ضرورت و نذر معین نزد امام عظم
چنانچه بنیت نذر ادا شود هم بطلق نیت ادا شود و هم بنیت نفل
و اگر نیت واجب آخر کرده واجب آخر ادا شود و ترذاکثر ائمه نذر
معین بدون تعیین نیت نذر ادا نشود و نفل بنیت مطلق ادا
شود با اتفاق چنانچه بنیت نفل و نذر غیر معین و قضا و کفاره
را با اتفاق تعیین نیت شرط است مثله وقت نیت وزه
از غروب آفتاب است تا طلوع صبح و بعد طلوع صبح نیت روا
نباشد مگر در روز نفل تا پیش از زوال نذر شافعی رح و احمد
و نزد مالک بعد طلوع صبح نیت نفل هم درست نیست نزد امام عظم
نیت روزه رمضان و نذر معین و نفل تا پیش از زوال صحیح است
و نیت قضا و کفارت و نذر غیر معین بعد طلوع صبح با اتفاق
جائز نیست و ترذاکثر ائمه هر سی روزه رمضان را هر شب
نیت علیحدہ علیحدہ شرط است و نزد مالک ح برای تمام رمضان

[illegible][illegible]

و سی روز گذشته فطار جائز شد اگر چه پاه ندیده است بلکه اگر کسی ماه
 رمضان یا ماه شوال چشم خود دید و قاضی شهادت دهد که در هر روز و شب
 و حبست که آنکس روزه دارد و اگر افطار کند قضا واجب شود نه کفاره
 مسئله در روز شک یعنی ششام شعبان چون ماه ندیده شود و مطلع صفا
 نباشد روزه ندارد مگر به نیت نفل اگر موافق افتد روزه صوم معتاد او را
 والا خواص روزه دارند و عوام بعد زوال فطار کنند نزد امام اعظم
 و آنروز به نیت رمضان یا به نیت واجب آخر روزه دهمین گروه است
 و همچنین گروه تبرید نیت که اگر رمضان باشد از رمضان است
 والا از نفل واجب گیر و بهر تقدیر و بهر نیت که روزه داشت چون
 رمضان ثابت شود آن روزه نزد امام اعظم از رمضان او میشود
 فصل در وجوب قضا و کفاره اگر کسی در روزه رمضان جماع
 کرد یا جماع کرده شد عذر او قبل یا در بر یا خورد یا آشامید عذر افتاد
 یا در روزه او قضا شود و بر وی قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند

گفتند که اینست که در روز شک اگر چه پاه ندیده است بلکه اگر کسی ماه
 رمضان یا ماه شوال چشم خود دید و قاضی شهادت دهد که در هر روز و شب
 و حبست که آنکس روزه دارد و اگر افطار کند قضا واجب شود نه کفاره
 مسئله در روز شک یعنی ششام شعبان چون ماه ندیده شود و مطلع صفا
 نباشد روزه ندارد مگر به نیت نفل اگر موافق افتد روزه صوم معتاد او را
 والا خواص روزه دارند و عوام بعد زوال فطار کنند نزد امام اعظم
 و آنروز به نیت رمضان یا به نیت واجب آخر روزه دهمین گروه است
 و همچنین گروه تبرید نیت که اگر رمضان باشد از رمضان است
 والا از نفل واجب گیر و بهر تقدیر و بهر نیت که روزه داشت چون
 رمضان ثابت شود آن روزه نزد امام اعظم از رمضان او میشود
 فصل در وجوب قضا و کفاره اگر کسی در روزه رمضان جماع
 کرد یا جماع کرده شد عذر او قبل یا در بر یا خورد یا آشامید عذر افتاد
 یا در روزه او قضا شود و بر وی قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند

و قیامت که در روز قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند
 قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند
 قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند
 قضا و کفاره واجب و برده آزاد کند

و اگر میسر نشود و ماه پنی بی روزی دارد که در آن ایام رمضان
و ایام عیدین و تشریق نباشد و اگر در میان آن وزه فوت شود بغیر
یا بعد از روزی از سر گیر و اگر بضرورت حیض نفاس اگر فطار واقع
شود ^{در رمضان} مضافه ندارد و اگر مقدر روزی ندیده باشد به شصت ^{مسکین}
طعام دهد هر یک مثل صدقه فطر و نزد شافعی حج و احرام
بدون جماع کفارت واجب نشود و از آفتاد روز قضا یا کفاره
یا نذر کفاره واجب نشود و باتفاق و اگر در یک رمضان و روزی
یا چند روزی فاسد گردد و بوجوب کفارت واجب شود
اگر بعد از فساد روز اول کفارت داده شد روزی ثانی را
کفارت علیحدّه دهد و همچنین در ثالث و رابع و بعد آن و اگر
روزی اول را کفارت نداده باشد تا آخر رمضان بر آن
افزا و چند روزی کفاره کافیست و نزد مالک و شافعی
بر هر تقدیر چند روزی را چند کفاره می باید و اگر

[illegible]

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفاره روزه اول نداده در
صورت باتفاق کفاره علیحده واجب است و اگر بخطایا
بکراه افطار کرد و گویجام یا حقنه کرده شدید گوش یا دینی دوا
چکانیده شدید یا دزخم شکم یا زخم سرد و اچکانیده شد پس و ابداغ
او یا در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا
و غذا نیست از خلق فرو برد یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان
شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب
کرد و حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان
کرد که روزه من فاسد شد پس ترعده خورد یا آب در خلق خفته نشسته
یا زنی خفته در حاد یا انگلی یا بهوشی جماع کرده شد درین صورتها
قضا واجب شود نه کفاره و چنین اگر در رمضان نیت روزه کرد
نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از او بوقوع نیاید قضا واجب
شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفاره روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علیحده واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویجام یا حقنه کرده شدید گوش یا دینی دوا چکانیده شدید یا دزخم شکم یا زخم سرد و اچکانیده شد پس و ابداغ او یا در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از خلق فرو برد یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب کرد و حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترعده خورد یا آب در خلق خفته نشسته یا زنی خفته در حاد یا انگلی یا بهوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و چنین اگر در رمضان نیت روزه کرد نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از او بوقوع نیاید قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

در رمضان دوروزه فاسد کرده و کفاره روزه اول نداده در صورت باتفاق کفاره علیحده واجب است و اگر بخطایا بکراه افطار کرد و گویجام یا حقنه کرده شدید گوش یا دینی دوا چکانیده شدید یا دزخم شکم یا زخم سرد و اچکانیده شد پس و ابداغ او یا در شکم او رسیده یا سنگریزه یا آهنی یا چیزی که از جنس دوا و غذا نیست از خلق فرو برد یا بقصد پری دهن قی کرد یا بگمان شب طعام سحر خورد و ظاهر شد که صبح بود یا بگمان غروب کرد و حال آنکه غروب نشده بود یا طعام بفراموشی خورد و گمان کرد که روزه من فاسد شد پس ترعده خورد یا آب در خلق خفته نشسته یا زنی خفته در حاد یا انگلی یا بهوشی جماع کرده شد درین صورتها قضا واجب شود نه کفاره و چنین اگر در رمضان نیت روزه کرد نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از او بوقوع نیاید قضا واجب شود نه کفاره و اگر در رمضان مبارک نیت روزه نکرد و طعام خورد

12

یا بفرمند قضا واجب نشود و اگر بعد صحت و اقامت مردن
 قدر ایام که بعد صحت و اقامت دریافتند همان قدر روزه را
 واجب شود چون قضا نکردند بر وی از ثلث مال آنها بشرط وصیت
 و وصیت که فدیہ در عوض هر روزه طعام یک مسکین بقدر صدقه
 فطر و بدون وصیت واجب نیست اگر تبرع کند صحیح شود ^{مسئله}
 قضای رمضان اگر خواهد پی به پی گذارد و اگر نخواهد متفرق اگر
 تمام سال قضا نکرد و رمضان دیگر آمد روزه رمضان دیگر ادا
 کند پیشتر بابت رمضان اول قضا کند و در نصیرت هیچ فدیہ
 و بیعت مسلمانی فانی که از روزه عاجز باشد افطار کند و
 عوض هر روزه بقدر صدقه فطر طعام کند پیشتر اگر قدرت روزه
 بهم رسد قضا بروی و شب مسلمانی زن حامله یا شیر میزند
 اگر بنفس خود یا بکسی خود خور کند افطار کند و قضا کند و فدیہ واجب
 فصل روزه نقل شریع واجب شود مگر روزه ایام منہیہ فطریه

۱۰۰

100

10

100

10

١٠

10

50

۱۱

بیشتر

د. ج. ب. ب.

1

10

11

100

3

32

99

روزه نفل بخیر روانیست و بغير روزه است وضیافت هم غدر است
 افطار کند و قضا لازم شود ^{۱۲} سکه اگر در روز رمضان طفل بالغ شد
 یا کافر مسلمان گشت یا مسافر مقیم شد یا حائضه پاک شد
 اما آن باقی روز واجب شود و مساک کرد یا نکرد در هر دو صورت قضا
 واجب نشود مگر بر مسافر و حائض ^{۱۳} سکه و زعیید الفطر و عید الا
 و ایام تشریق روزه حرمت از شروع در آن روز روزه واجب نشود
 لیکن اگر نذر کرد و روزه این ایام را یا روزه تمام سال او هر دو صورت
 درین روزه با افطار کند و قضا کند و اگر روزه داشت عاصی و لیکن
 از روزه ساقط شود و قضا نیاید فائده در حدیث آمده هر که
 بعد رمضان در شوال روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه در شوال
 متفرق دارد و متصل عید الفطر ندارد و تا شبه بنصاری نشود
 اندام متصل اگر روزه داشته اند و فتوی بر آنست که مکروه نیست ^{۱۴}

نفل روزه است و بغير روزه است وضیافت هم غدر است
 افطار کند و قضا لازم شود ^{۱۲} سکه اگر در روز رمضان طفل بالغ شد
 یا کافر مسلمان گشت یا مسافر مقیم شد یا حائضه پاک شد
 اما آن باقی روز واجب شود و مساک کرد یا نکرد در هر دو صورت قضا
 واجب نشود مگر بر مسافر و حائض ^{۱۳} سکه و زعیید الفطر و عید الا
 و ایام تشریق روزه حرمت از شروع در آن روز روزه واجب نشود
 لیکن اگر نذر کرد و روزه این ایام را یا روزه تمام سال او هر دو صورت
 درین روزه با افطار کند و قضا کند و اگر روزه داشت عاصی و لیکن
 از روزه ساقط شود و قضا نیاید فائده در حدیث آمده هر که
 بعد رمضان در شوال روزه دارد گویا که تمام سال روزه
 داشته باشد بعضی علما گفته اند که شش روزه در شوال
 متفرق دارد و متصل عید الفطر ندارد و تا شبه بنصاری نشود
 اندام متصل اگر روزه داشته اند و فتوی بر آنست که مکروه نیست ^{۱۴}

این قول بر این است که اگر در روز شوال روزه داشت...

است بر این که اگر در روز شوال روزه داشت...

14

۱۰۶

ادبیت مجلس

عبدالله بن محمد
بن عبد الله

التعليمية والدراسات
أوردة ودراسات

نشرین آورده
میرزا حسن

عالمی شہر
سب سے زیادہ
مقامات

فصل اول در بیان احوال

استحقاق فائز

1993

100

۱۰۰

مستحق

و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در شعبان اکثر روزه داری و در بعضی
احادیث بعد نصف شعبان از روزه نمی آورده بحیث آنکه ضعف
مانع صوم رمضان نشود بلکه در هر ماه سه روزه واجب است
گاهی پیغمبر روزه ایام بیست و نهم و چهارم و نهم و پانزدهم داشته و گاهی
اول ماه و گاهی آخر ماه و گاهی در هر عشره یک روزه و گاهی پنجشنبه
و دوشنبه و پنجشنبه یا دوشنبه و پنجشنبه و دوشنبه و گاهی در
یک ماه شنبه یکشنبه دوشنبه و در ماه دوم شنبه چهارشنبه پنجشنبه
روز عرفه هر که روزه دارد و رساله گناه او بخشیده شود لیکن گشته
و سالی آینده و اگر روز عاشوره روزه دارد و یک سال گشته گناه او بخشیده
شود و مستحب است که با عاشوره یک روز اول یا یک روز بعد از آن روزه
داشته باشد و روزه روز جمعه تنها نزد بعضی علماء مکروه است و نزد ابی حنیفه
و محمد رحمهما الله مکروه نیست بلکه صوم در هر صوم سال مکروه است
و بهترین صیام صیام داوود است که یک روز روزه دارد و یک روز

روز دوشنبه ۱۳۰۲

[illegible]

افطار کنند بشرطیکه در اوست بر آن تواند کرد که عبادت او هم
 بهتر است ^{آنرا} ^{مرا} ^{کرده باشد} زن بدون افزون شوهر و بنده را بدون زن ما
 روزه نفل نباید در ^{فصل} اعتکاف در مسجد عبادت است و در
 مسجد جامع ^{اولی} و ^{دوایب} میشود اعتکاف به نذر و آن عبادت
 از ماندن در مسجد به نیت اعتکاف و اقل آن یک روز است
 نزد امام عظمی ^{رح} و اکثر ^{روز} نزد ابی یوسف ^{رح} و یک
 ساعت نزد محمد و اعتکاف ^{آخره} در رمضان سنت مکرره
 است و روزه در اعتکاف ^{اجب} شرط است همچنین در نفل در
 روایتی وزن در مسجد خانه اعتکاف کند ^{مسئله} معتکف از مسجد
 بر نیاید مگر برای بول یا غائط یا نماز جمعه در وقتیکه جمعه را با
 توان یافت و در مسجد جامع زیاده از آن درنگ نکند اگر
 درنگ کرد اعتکاف فاسد نشود ^{مسئله} اگر معتکف بپایند
 یک ساعت از مسجد برآمد اعتکاف فاسد شد و نزد صاحب

[illegible][illegible]

[illegible]

و آخرش بحمد و اول و آخر دست بشوید و آب لبه کت نبوشد
 هر بار بسم الله و احمیت گوید **مسئله** شیر آب سبک و بول با کول محرم
 هست **مسئله** گوشت که از مسلمان یا کتابی خریده شود حلالست
 و آنکه از بت پرست خریده شود حرامست **مسئله** بر قبول هدیه
 قول عبد و امه طفل مقبول است **مسئله** اگر عا و الطهارت
 یا نجاست آب خبر دهد قبول کرده شود و اگر فاسق یا مستور احوال
 نجاست آب خبر دهد تحریک کند و بغالب رای عمل کند
 بهتر اگر در غلبه ظن صادق داند آب را رنجیده تمیم کند و اگر در
 غلبه ظن کاذب داند وضو و تمیم هر دو اگر کند بهتر باشد و الا وضو
 کند **مسئله** از بنده تا جبر قبول ضیافت جائز باشد و اگر
 پارچه یا زلفت یا غلبه بدون اجازت مولی جائز نیست
مسئله قبول ضیافت و هدیه از امرای ظالم وزن رضا
 و مغنیه و ناسخه که اکثر مال او از حرام باشد جائز نیست

[illegible]

قاضی محترم
 درمیت علم کرامت
 دانی شایسته درال
 بهر دانش و ادراک
 الکریم و الکریم
 بنان علم و کدشت
 نظام و مال و حق
 کدانی عالی کرامت
 درمیت علم کرامت

در رو بیاور حالت حیض حرام است ستماء لواطت حرام است
 قطعی منکر حرمت آن کافر است ستماء دیدن زن جنبیه ایماز
 رابشوت حرمت و همچنین است با جنبیه شهوت رسانیدن و
 از پا حرکت نامشروع کردن در حدیث آمده که زنای چشم نظرات
 و زنای دست گرفتن و زنای قدم راه رفتن و زنای زبان سخن
 گفتن و فرج تصدیق و تکذیب آنها میکند ستماء نظر کردن
 بعورت دیگری حرام است مگر عند الضرورت بقدر ضرورت بیند
 چون طبیب یا حقنه کننده یا قابله یا حقنه کننده و مرد را از مرد و سوا
 عورت دیدن جائز نیست یعنی از نواف تا زانو نه بیند و زن را هم از زانو
 از نواف تا زانو دیدن جائز نیست و دیگر بدن دیدن جائز نیست
 و همچنین زن را از مرد اگر شهوت نباشد و در حالت شهوت اصلا
 ند بیند و مرد را از زن جنبیه اصلا دیدن جائز نیست مگر زنیکه
 برای حوائج بیرون می آید روی و دو دست او دیدن جائز است

در رو بیاور حالت حیض حرام است ستماء لواطت حرام است
 قطعی منکر حرمت آن کافر است ستماء دیدن زن جنبیه ایماز
 رابشوت حرمت و همچنین است با جنبیه شهوت رسانیدن و
 از پا حرکت نامشروع کردن در حدیث آمده که زنای چشم نظرات
 و زنای دست گرفتن و زنای قدم راه رفتن و زنای زبان سخن
 گفتن و فرج تصدیق و تکذیب آنها میکند ستماء نظر کردن
 بعورت دیگری حرام است مگر عند الضرورت بقدر ضرورت بیند
 چون طبیب یا حقنه کننده یا قابله یا حقنه کننده و مرد را از مرد و سوا
 عورت دیدن جائز نیست یعنی از نواف تا زانو نه بیند و زن را هم از زانو
 از نواف تا زانو دیدن جائز نیست و دیگر بدن دیدن جائز نیست
 و همچنین زن را از مرد اگر شهوت نباشد و در حالت شهوت اصلا
 ند بیند و مرد را از زن جنبیه اصلا دیدن جائز نیست مگر زنیکه
 برای حوائج بیرون می آید روی و دو دست او دیدن جائز است

در رو بیاور حالت حیض حرام است ستماء لواطت حرام است
 قطعی منکر حرمت آن کافر است ستماء دیدن زن جنبیه ایماز
 رابشوت حرمت و همچنین است با جنبیه شهوت رسانیدن و
 از پا حرکت نامشروع کردن در حدیث آمده که زنای چشم نظرات
 و زنای دست گرفتن و زنای قدم راه رفتن و زنای زبان سخن
 گفتن و فرج تصدیق و تکذیب آنها میکند ستماء نظر کردن
 بعورت دیگری حرام است مگر عند الضرورت بقدر ضرورت بیند
 چون طبیب یا حقنه کننده یا قابله یا حقنه کننده و مرد را از مرد و سوا
 عورت دیدن جائز نیست یعنی از نواف تا زانو نه بیند و زن را هم از زانو
 از نواف تا زانو دیدن جائز نیست و دیگر بدن دیدن جائز نیست
 و همچنین زن را از مرد اگر شهوت نباشد و در حالت شهوت اصلا
 ند بیند و مرد را از زن جنبیه اصلا دیدن جائز نیست مگر زنیکه
 برای حوائج بیرون می آید روی و دو دست او دیدن جائز است

اگر شہوت نباشد والا جائز نیست و در قرآن آمده و بگو ای محمد
 مردان مسلمانان را که از زنان چشم پوشند و فرج را نکند
 و بگو زنان مسلمانان را که از مردان چشم پوشند و فرج را
 نکند دارند و در حدیث آمده هر که زن اجنبیه بشہوت ببیند
 شرب و چشم او روز قیامت ریختہ شود مسئلہ از زن
 منکوحہ و مملوکہ خود تمام بدن و بدن حیوان است
 لیکن مستحب آنست کہ شرمگاہ را نہ بیند و از زن محرمہ خود
 از کتیر اجنبی سر و روی و ساق و بازو بہ بیند و مس کردن
 ہم جائز است اگر از شہوت مامون باشد و شکم و پشت در آن
 نہ بیند و بندہ ان مالکہ خود مثل جنبی است مسئلہ ویدن
 لبوی زن اجنبیہ وقت ارادہ نکاح یا شرع آن با وجود
 شہوت ہم جائز است و همچنین شاہد رانزد تحمل شہادت
 واداعے آن و حاکم رانزد حکم مسئلہ خوجہ و اختہ

[illegible]

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست
 همچنین اگر مال شبهه لیکن تقیوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی در
 دریا و مانند خر و خوک مسئله مال غیر تقیوم اگر عوض مبلغ فروخته
 شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض
 فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع
 باطل مشتری مالک نشود و از بیع فاسد بعد قبض مالک نشود لیکن
 آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که شکو
 الوجود است احتمال است که بیع باشد مسئله بیع که انجام
 آن منازعت کش فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا
 چوب در سقف یا یک ذراع در پارچه یا باجل مجبول پس اگر
 مشتری منیع بیع نکرد و چوب از سقف جدا کرد و ذراع از ثوب
 یا اجل از مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع
 فاسد فاسد است و شرط فاسد آن است که مقتضای عقد

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست
 همچنین اگر مال شبهه لیکن تقیوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی در
 دریا و مانند خر و خوک مسئله مال غیر تقیوم اگر عوض مبلغ فروخته
 شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض
 فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع
 باطل مشتری مالک نشود و از بیع فاسد بعد قبض مالک نشود لیکن
 آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که شکو
 الوجود است احتمال است که بیع باشد مسئله بیع که انجام
 آن منازعت کش فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا
 چوب در سقف یا یک ذراع در پارچه یا باجل مجبول پس اگر
 مشتری منیع بیع نکرد و چوب از سقف جدا کرد و ذراع از ثوب
 یا اجل از مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع
 فاسد فاسد است و شرط فاسد آن است که مقتضای عقد

مسئله اگر بیع مال نباشد مثل میت یا خون یا حریج آن بطلست
 همچنین اگر مال شبهه لیکن تقیوم نباشد مانند پرنده در هوا یا ماهی در
 دریا و مانند خر و خوک مسئله مال غیر تقیوم اگر عوض مبلغ فروخته
 شود بیع باطل گردد و اگر عوض سخت فروخته شود بیع عرض
 فاسد باشد و بیع خمر و مانند آن باطل است مسئله بیع
 باطل مشتری مالک نشود و از بیع فاسد بعد قبض مالک نشود لیکن
 آن واجب است مسئله بیع شیر در پستان باطل است که شکو
 الوجود است احتمال است که بیع باشد مسئله بیع که انجام
 آن منازعت کش فاسد است چنانچه بیع پشم بر پشت گوسفند یا
 چوب در سقف یا یک ذراع در پارچه یا باجل مجبول پس اگر
 مشتری منیع بیع نکرد و چوب از سقف جدا کرد و ذراع از ثوب
 یا اجل از مشتری ساقط کرد بیع صحیح و لازم شد مسئله بیع
 فاسد فاسد است و شرط فاسد آن است که مقتضای عقد

نباشد و در آن منفعت باشد بایع رایا مشتری رایا بیع را که مستحق
 نفع باشد بیستله شرط کردن ملک مشتری مقتضای عقد است
 پس فاسد نیست شرط آنکه مشتری این جامه بفروشد اگر چه مقتضا
 عقد نیست لیکن در آن منفعت کسی نیست پس فاسد نیست و شرط آنکه
 مشتری این پاپ را بفرجه کند درین منفعت بیع است لیکن بیع
 انسان نیست که مستحق نفع باشد پس فاسد نیست چنین شرط
 بیعت و بیع صحیح و شرط آنکه بایع یکماه در خانه بیعه سکونت
 کند درین نفع بایع است پس شرط فاسد است آنکه بایع این
 پارچه اجامه وخته دهد در آن نفع مشتری است نیز فاسد است و شرط
 آنکه عبید بیع را مشتری آزاد کند درین نفع بیع است نیز فاسد است
 از اینچنین شروط بیع فاسد شود و زیاده تفصیل سائل بیع طبل و
 فاسد در کتب فقه است ازین بیوع اجتناب واجب است سئل
 بوجه حرام است در بیع و قرض گناه کبیره است منکر حرمت

[illegible]

۱۲۶
الحاج المصطفیٰ محمد صالح المنجد
مباحث فقه شافعی
قولہ حاجت بخود و دیگران کے لئے
آفتخلافاتی ہر دو صورتوں میں

عبدیہ کی طرف سے بھی ایک خط آیا کہ تم کو جو خط لکھا تھا وہ تم کو پہنچا رہا ہے۔
 اس خط میں لکھا تھا کہ تم کو جو خط لکھا تھا وہ تم کو پہنچا رہا ہے۔
 اس خط میں لکھا تھا کہ تم کو جو خط لکھا تھا وہ تم کو پہنچا رہا ہے۔

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

جائز است و حلال لیکن آنچه برای پیش روزه مقرر کرده اند واجب
نمیشود و مواخذه آن نمیرسد همچنین جائز است که امیروم لشکرا
بگویند هر کس پیش و در این قدر بوی بدیم و همچنین حکم است آنکه دو
طالب علم مسئله امتحان کنند و خواهند که با و ستاد رجوع آرند و برای
حکم او موافق حکم او ستاد و اقبه چیزی مقرر کنند مسئله و گوییم نکاح
سنت است و کسی دعوت کرده شود باید که قبول کند و اگر بغیر
قبول نکند آثم^۱ میشود مسئله از طعام دعوت چیزی بخانه خود نیارد
و نه بمائیل نزد دیگر یا جازت مالک اگر داند که آنجا لهویا سرور
است حاضر نشود و دعوت قبول نکند و اگر بعد آمدن^۲ طعام
شد اگر قدرت منع دارد منع کند و اگر نه پس اگر مقتدا باشد یا
لهو در مجلس طعام باشد نه نشیبت امام اعظم فرموده که بدان مسئله
شدم پس صبر کردم یعنی پیش از مقتدا شدن مسئله دور
حرمت است که باز دارندة است از ذکر الهی و هیچ شہوت است

[illegible]

134

[illegible]

هم مکرده است مسلمة بحال مسلمانان بر اعياب جوئی آنها
 حرمت و بدترین دروغ شهادت دروغ است و قسم دروغ که بدان
 مال مسلمانى را بناحق تلف کند حق تعالى دروغ برابر بشکر شمرده
 و فرموده که پرنیاز کنید از بت پرستی و پرنیاز کنید از سخن دروغ
 در حالیکه مسلمانان اهرست روزنه باشند نه مشرک مسلمة رشوت
 دهنده و رشوت خورنده در دروغ باشند مگر آنکه دادن رشوت بر
 دفع ظلم جائز است مسلمة هر که حکم کند موافق کتاب الله حق تعالى
 آنها را کافر گفته مسلمة قضیه و مناقشه که در میان افتد و آیت
 که آنرا بشرع رجوع کند و آنچه بشرع دران حکم کند اگر چه خلاف طبع و
 باشد و حیست که آنرا بطیب خاطر قبول کند مکرده و دشمن آن
 کفر است و ستلزم انکار شرع مسلمة عجب و تکبر کردن و
 نفس خود را از دیگران بهتر دانستن عجب را حقیر دانستن حرمت
 حق تعالى میفرماید نفس خود را نسبت بپاکی نکنید بلکه

[illegible]

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
عليه وآله وسلم رفقاً له
فمنه النار فاما النار فممن
اختار فعله عرف الحق فجار
فمنه النار فاما النار فممن
اختار فعله عرف الحق فجار
فمنه النار فاما النار فممن
اختار فعله عرف الحق فجار

[illegible]

انچه خود بخورد بخوراند و انچه خود بپوشد بپوشاند و بکاری زیاده از طاقت او
امر نفرماید و اگر بکاری شاق امر کند باید که خود هم شریک و شود
مسئله نده که اندیشه گرختن او باشد بخیر و پایی او انداختن جان
است مسئله نده از خدمت مگر گرختن حرام است مسئله تراشیدن
پیش از قبضه حرام و چیدن موسفید از ریش مانند آن مکره است
مسئله گذاشتن ریش تراشیدن سلبت ناخن نموی قبل و بعد
نهانی سنت است مسئله دخل شدن مروان زنان حمام جائز
است لیکن بابرده و از آن مسئله امر معروف و نهی منکر واجب است
از منکرات اگر مقدم و شتر باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان
منع کند و اگر نتواند یا مسفید نداند از دل مکره دارد و صحبت با منکر
ترک کند اگر انقدر هم نکند در و بال نهی شریک باشد هم در دنیا و هم
آخرت مسئله حب فی الله و نبض فی الله فرض است مسئله
کسیکه بروی احسان کند شکر او کردن مکافات نمودن محبت او

[illegible][illegible]

134

۶۴

ایم (۱۵۰)

المجلد الثاني

2013

۱۳۳۳

انسان دوستی

ایمان حرم
ایمان حرم

وہابیہ

پیش رو

مجلس شورای اسلامی

باز اینک در

المستشار
المستشار

انفاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

15

1

یا واجب انکار آن کردن کفر آن نمودن معصیت است هرگاه
بنده نکرده شکر خدا نکند مسئله شستن در مجلس علمای و علمای
اگر میسر شود و اگر میسر نشود غلظت بهتر است مسئله کثرت ورود
پیغمبر صلی الله علیه آله و سلم مستحب است و خالی نبودن مجلس از ذکر
خدا و در پیغمبر صلی الله علیه آله و سلم مکرده است مسئله
تشبه بزنان زن تشبه بدوان و سلم تشبه بکفار و فساق حرام است
قتل کردن جانور یا گول نه برای خوردن حرام است مسئله قتل
جانور موزنی جایز است مسئله حقوق مسلمان بر مسلمانان چنانچه
است عیادت مریض و حضور جنازه و قبول دعوت و سلام
و تسمیت طعش و خیر خواهی هم در حضور و هم در غیبت مسئله
باید که دوست دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست
دارد و مکرده دارد در حق آنها آنچه برای خود نه پسند
و در سلام واجب است مسئله بدانکه کبار برتر است

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

استیفاء فیصلہ

مرتبه است اگر کبائر کفر است و قریب آن عقاء باطله مرتبه دوم کبیر
 در آن حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بخون و مال و آبروی مسلمانان
 حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نه بخشد انجوی از انس
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم روز قیامت
 منادی از عرش آواز دهد که ای است محمد حق تعالی شما همه مژورین
 مومنین را شبیده با هم حقوق بندگان بخشید و دخل بهشت شوید
 حافظ گوید هر و سببش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در تعزیرت
 غیر ازین گناهی نیست یعنی برابر این نیست مرتبه سوم حقوق الله
 خالص ستمه آنچه در احادیث کبائر وارد شده بشماریم شرک و
 نافرمانی والدین و قتل نفس و قسم دروغ و شهادت دروغ و دشنام
 محضه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر چنین از جنگ کفار و سحر کردن
 و قتل فرزندان چنانکه کفار دختران را قتل میکردند و زنا خصوصاً
 با زن همسایه و سرقه و قطع طریق که محارب با خدا و رسول است و بجه

[illegible]

مرتبه است اگر کبار کفر است و قریب آن عقاب باطله مرتبه دوم خجسته
دران حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بزبون و مال و آبرو می مسلمانان
حق تعالی حقوق خود بخشد و حقوق بندگان نه بخشد لغوی از این
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم روز قیامت
سنادی از عرش آواز دهد که اسی است محمد حق تعالی شما همه مزدور
منین خشنیده با هم حقوق بندگان بخشد و دخل بهشت شوید
حافظ گوید و سببش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در تفسیر
غیر ازین گناهی نیست یعنی برابر این نیست مرتبه سوم حقوق الله
خالص ستم آنچه در احادیث کبار وارد شده بشماریم شرک و
نافرمانی والدین و قتل نفس و ستم دروغ و شهادت دروغ و دشنام
محضه و خوردن مال یتیم و خوردن ربوا و اگر چنین از جنگ کفار و سحر کردن
و قتل فرزندان چنانکه کفار و خمران را قتل میکردند و زنا خصوصا
بازن همسایه و سرقه و قطع طریقی که محاربه با خدا و رسول است و بانی

[illegible]

و شریعت است و مغرور حقیقت او در خدمت درویشان باید است
 و خیال نباید کرد که حقیقت خلاف شریعت است که این سخن جمل
 و کفر است بلکه همین شریعت است که در خدمت درویشان چون قلب
 از تعلق علمی و حبی که با سوامی افتد و اشت پاک شود و زایل نفس
 بر طرف گشته نفس مطهر شده و اخلاص بهم رساند شریعت در حق او
 با سخر شود نماز او عند الله تعلق دیگر بهم رساند و رکعت او بهتر از
 یک رکعت دیگران باشد و همچنین صوم او و صدقه او و رسول فرستادن
 صلی الله علیه و آله و سلم اگر شما مثل او خدیزد و راه خدا خرج کنید یا به
 یک سیر یا نیم سیر چه نباشد که صحابه و راه خدا داده اند این ارجح است
 قوت ایمان اخلاص شانت نور باطن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
 از سینه درویشان باید حبست و بدان نور سینه خود را روشن
 باید کرد تا هر خیر و شر بفراست صحیح دریافت شود ولی در قمر آ
 متفر را فرموده و در حدیث علامت اولیاء الله فرموده

چون حضرت عیسی علیه السلام در میان ایشان از
 پیروان خود یکی را برگزید و منی القوا
 فرستاد و چون به بیت روان رفت
 کدام است و فرمود در است این
 که آن خود گوی فریاد کرده و که معاذ
 الله و در این به سر و کار بود
 حسب اشارت چون در آن بیاید
 در این وقت زنده بماند تا تسکین
 شد و فرمود بیا بیدار از خواب
 خود را شکسته از سر نو بیدار
 مباد خدا سادیم خود را از نماز

باید که در این

در این بنیاد است و در این بنیاد
 تعبیر و تفسیر و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 با این وصف و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد

در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد
 در این بنیاد است و در این بنیاد

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را
 گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله از مجمع النوازل
 آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم یا
 نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت
 که بیار بیا یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر
 اختلاف مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد
 میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که لغبی و شادی تو
 چنانم که لغبی شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و
 بدی آنکس حال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر شود
 مسئله اگر گفت که قسم بخوابم یا تو کافر شود مسئله اگر گفت که رزق
 از خداست لیکن از بنده هستن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا
 اگر نمی باشد بوی ایمان نیام یا گفت اگر خدا مرا نماز کند نماز
 نگوام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نگوام کافر شود مسئله اگر

عقلنا اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم یا نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیار بیا یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر اختلاف مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که لغبی و شادی تو چنانم که لغبی شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس حال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر شود مسئله اگر گفت که رزق از خداست لیکن از بنده هستن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا اگر نمی باشد بوی ایمان نیام یا گفت اگر خدا مرا نماز کند نماز نگوام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نگوام کافر شود مسئله اگر

مسئله اگر کسی بدون شهود نکاح کرد و گفت که خدا و رسول خدا را گواه کردم یا فرشته را گواه کردم یا فرشته مسئله از مجمع النوازل آورده که اگر گفت که فرشته دست راست و دست چپ گواه کردم یا نشود اگر چه نکاح صحیح نباشد مسئله اگر جانوری آواز کرد پس گفت که بیار بیا یا غله گران شود یا جانور آواز کرد از سفر بازگشت در کفر اختلاف مسئله اگر گفت که خدا میداند که من همیشه پیوسته ترا یاد میکنم بعضی گفته که کافر شود اگر گفت که خدا میداند که لغبی و شادی تو چنانم که لغبی شادی خود بعضی گفته که کافر شود و بعضی گفته که اگر بر نیکی و بدی آنکس حال و بدن قیام میکند چنانچه بر نیکی و بدی خود کافر شود مسئله اگر گفت که رزق از خداست لیکن از بنده هستن خواهد کافر شود مسئله اگر گفت فلا اگر نمی باشد بوی ایمان نیام یا گفت اگر خدا مرا نماز کند نماز نگوام یا گفت اگر قبله باین سو باشد نماز نگوام کافر شود مسئله اگر

[illegible]

ابانت کسی از پیغمبر آن کرد کافر شود مسئله اگر کسی گفت که دم علیه السلام
 پاره می یافت دیگری گفت پس همه جولا می گانیم کافر شود این دم
 مسئله اگر گوید آ دم اگر کند منی خورد ما بد بخت نمیشدیم کافر شود
 مسئله مردی گفت سول الله صلی الله علیه و آله و سلم چنین می کرد
 دیگری گفت که این بی ادبی ست کافر شود مسئله اگر کسی گفت با
 تراشیدن سنت است دیگری گفت اگر چه سنت باشد نیکم کافر شود
 اگر گوید سنت چه کار آید کافر شود مسئله اگر کسی امر معروف کرد دیگری
 گفت چه غوغا آوردی اگر این سخن برو چه رد گفت کافر شود
 و در قضاوی سراجی گفته طالب دین اگر گوید اگر خدا می جاست
 بتاخم کافر شود اگر گفت که اگر پیغمبر است کافر شود مسئله اگر
 کسی گوید که حکم خدا چنین است آن کس گفت که حکم خدا را سن
 چه دایم کافر شود مسئله اگر بسوی فتوی دید و گفت که این
 چه بانائمه فتوی آوردی اگر شریعت را بک و بسته گفت

گفت چنانکه
فتوحی کرده گفت
که از شد و دیگر
او سر شمر را
نگرد است و
ممنوع اگر چه
گفت لیکن چه
را بر زمین از دست
و گفت این چه

مفتی محمد امجد علی دہلوی

[illegible][illegible]

کافر شود و مستبد اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفتند که با
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی نکنم کافر
 نشود چرا که اراده او بعبودیت من است اگر فاسق و صلی را بگوید که من
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کن کافر شود مستبد اگر کسی
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان باد کافر شود مستبد اگر کسی
 نامحرم یا بکر در حلال چاکر و دم کافر شود مستبد اگر کسی بیاری می
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر شود
 مسئله در قتا و ای سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن
 فراخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله
 شخصی از آن میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مسئله

کافر شود و مستبد اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفتند که با
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی نکنم کافر
 نشود چرا که اراده او بعبودیت من است اگر فاسق و صلی را بگوید که من
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کن کافر شود مستبد اگر کسی
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان باد کافر شود مستبد اگر کسی
 نامحرم یا بکر در حلال چاکر و دم کافر شود مستبد اگر کسی بیاری می
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر شود
 مسئله در قتا و ای سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن
 فراخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله
 شخصی از آن میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مسئله

کافر شود و مستبد اگر کسی گفت که حکم شرع چنین است این کس بزور
 آبروغ آورد و گفت اینک شریعت اکافر شود و اگر کسی گفتند که با
 فلان کس صلح کن انگس گفت بت اسبده کنم و با وی آشتی نکنم کافر
 نشود چرا که اراده او بعبودیت من است اگر فاسق و صلی را بگوید که من
 مسلمانی بینید و بسوی مجلس شوق اشاره کن کافر شود مستبد اگر کسی
 میگوید شاد و باد آنکه بشادی ماشا و است ابو بکر طرخان گفته کافر شود
 مستبد اگر زنی گوید لعنت بر شومی دشمنان باد کافر شود مستبد اگر کسی
 نامحرم یا بکر در حلال چاکر و دم کافر شود مستبد اگر کسی بیاری می
 اگر خواهی مرا مسلمان بمران و اگر خواهی کافر بمران کافر شود
 مسئله در قتا و ای سراجی آورده که اگر گفت که روزی بن
 فراخ کن یا بر بن ظلم کن ابو نصر در کفر او توقف کرده و ظاهر
 آنست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا کفر است مسئله
 شخصی از آن میگوید دیگری گفت دروغ گفتی کافر شود مسئله

174

[illegible]

اگر تو غیر صلی الله علیه وآله وسلم را عیب کرد یا موی جبار کشی استوی
گفت کافر شود مسئله اگر کسی بادشاه ظالم را عادل گوید امام ابی
منصور ح ماتریدی گفته کافر شود و امام ابو القاسم گفته کافر نشود
چرا که البته گاهی عدل کرده باشد مسئله در حمادیه و سراجی گفته اگر کسی عقدا کند
که حجاج و غیره خزانة بادشاهی ملک بادشاه است کافر شود مسئله در
سراجی گفته اگر کسی گفت که تو عالم غیب را می گفت دارم کافر شود
مسئله اگر کسی گفت که اگر خدا مرا بی تو در بهشت بر درخواهم رفت اصح است
که کافر شود مسئله اگر کسی گفت من سلمان دیگری گفت لعنت بر تو
و بر سلماتی تو کافر شود و در جامع القادوسی آورده اظهر آنست که کافر
نشود و در سراجی گفته اگر کسی گوید که اگر فرشتگان یا پیغمبران گواهی دهند که
تو ایمانیت باور نداری کافر شود مسئله اگر شخصی دیگری گفت ای فلان
گفت اگر این چنین بنویسم یا تو صحبت شد اتم بعضی گویند کافر نشود و بعضی
گویند نه مسئله اگر کسی گوید که کافر شدن به که با تو بودن کافر نشود

[illegible][illegible]

[illegible]

این دایه منتفی است مسئله اگر کسی کلاه مثل آتش پیران یا جامه مثل
منه و پوشد بعضی علما گفته اند که کافر شود و بعضی گفته که کافر نشود و
بعضی متاخرین گفته که اگر اضرورت پوشد کافر نشود مسئله اگر کسی نا
بست قاضی الی خصص گفته که اگر برای خلاصی از دست کفار کرده باشد با کافر
نشود و اگر برای فائده در تجارت کرده باشد کافر شود مسئله محجوب
نور و جمع شوند یا نه در روز مهولی یا دیو الی شادی نمایند و مسلمانان
گوید چه خوب سیرت نموده اند کافر شود مسئله از مجمع النوازل آورده
مردی ارتکاب گناه صغیره کرد پس گفت مرا در امری که تو بکنی او
که من چه کردم که تو به کنم کافر شود مسئله اگر صدقه کرد از مال حرام و یا
ثواب کرد کافر شود مسئله اگر فقیر سید اند که از حرام داده است
و برای او دعا کرده و صدقه دهنده آیین گفت کافر شود مسئله فاسق
شراب بخورد و اقربای او آمده برود را هم نثار کردند یا مبارکباد دادند
در هر صورت همان کافر شود مسئله از جلال دشتن طاعت بازن خود

کافر نشود و با غیر زن خود کافر شود مسئله حلالت نشستن جماع در حالت حیض کفر است و در حالت استبراء عیثت کفر نیست مسئله و خسرانی گفته که مردی بمکافی مرتفع بنشیند و مردم از او بطریق آلتها سائل پرسند او بطریق آلتها جواب گوید کافر نشود و بر مکافی بانده شستن شریعت است معلوم دینی کفر است مسئله اگر گفت که مرا با مجلس علم چه کاریا گوید آنچه علمای میگویند که میتوان کرد کافر نشود مسئله اگر گویند زیرا بد علم بچکار میاید کافر نشود مسئله اگر گویند اینها که علمی آموزند آساناست یا زویر است یا گویند حیل و نشنیدن آن است که کافر نشود مسئله اگر کسی گوید همراه من شمع یا او گفت پیاده بیار کافر نشود و اگر گفت بیا بسوق قاضی و گفت پیاده بیار کافر نشود مسئله اگر گفت نماز بجاعت بگرد او گفت ان صلوة تنی کافر نشود مسئله مردی آیت قرآن ادر قح نهاد قح را بر آب کرده گوید کاسا و هم قاکا کافر نشود مسئله اگر در حق باقی در دیک گوید الباقیا الصالحات کافر نشود مسئله اگر مردی بسم الله گفت شراب خورده

کافر نشود و با غیر زن خود کافر شود مسئله حلالت نشستن جماع در حالت حیض کفر است و در حالت استبراء عیثت کفر نیست مسئله و خسرانی گفته که مردی بمکافی مرتفع بنشیند و مردم از او بطریق آلتها سائل پرسند او بطریق آلتها جواب گوید کافر نشود و بر مکافی بانده شستن شریعت است معلوم دینی کفر است مسئله اگر گفت که مرا با مجلس علم چه کاریا گوید آنچه علمای میگویند که میتوان کرد کافر نشود مسئله اگر گویند زیرا بد علم بچکار میاید کافر نشود مسئله اگر گویند اینها که علمی آموزند آساناست یا زویر است یا گویند حیل و نشنیدن آن است که کافر نشود مسئله اگر کسی گوید همراه من شمع یا او گفت پیاده بیار کافر نشود و اگر گفت بیا بسوق قاضی و گفت پیاده بیار کافر نشود مسئله اگر گفت نماز بجاعت بگرد او گفت ان صلوة تنی کافر نشود مسئله مردی آیت قرآن ادر قح نهاد قح را بر آب کرده گوید کاسا و هم قاکا کافر نشود مسئله اگر در حق باقی در دیک گوید الباقیا الصالحات کافر نشود مسئله اگر مردی بسم الله گفت شراب خورده

کافر نشود و با غیر زن خود کافر شود مسئله حلالت نشستن جماع در حالت حیض کفر است و در حالت استبراء عیثت کفر نیست مسئله و خسرانی گفته که مردی بمکافی مرتفع بنشیند و مردم از او بطریق آلتها سائل پرسند او بطریق آلتها جواب گوید کافر نشود و بر مکافی بانده شستن شریعت است معلوم دینی کفر است مسئله اگر گفت که مرا با مجلس علم چه کاریا گوید آنچه علمای میگویند که میتوان کرد کافر نشود مسئله اگر گویند زیرا بد علم بچکار میاید کافر نشود مسئله اگر گویند اینها که علمی آموزند آساناست یا زویر است یا گویند حیل و نشنیدن آن است که کافر نشود مسئله اگر کسی گوید همراه من شمع یا او گفت پیاده بیار کافر نشود و اگر گفت بیا بسوق قاضی و گفت پیاده بیار کافر نشود مسئله اگر گفت نماز بجاعت بگرد او گفت ان صلوة تنی کافر نشود مسئله مردی آیت قرآن ادر قح نهاد قح را بر آب کرده گوید کاسا و هم قاکا کافر نشود مسئله اگر در حق باقی در دیک گوید الباقیا الصالحات کافر نشود مسئله اگر مردی بسم الله گفت شراب خورده

تا که از عقائد فاسده توبه نکند اگر چه پدیر یا پس باشد قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا
لا تتخذوا أعداء و أعداءکم اولیاء الی قوله لن تتفقوا علی حکم و الا اولادکم یوم القیامت
لیفضل علیکم در خاندان فقیر همیشه علما شده آمده اند که در هر عصر ممتاز بود و نیز از فرزندان
فقیر احمد الله این دولت بهم رسانیده بود و خدایش پیامبر و رحلت کرد و دلیل الله
و صفوة الله را هر چند خواستم در تحصیل این دولت تن ندادند حسرت است و این قدر
عبارت فتاوی که نمیدانند اعتبار ندارد و باید که خود هم درین امر اگر توانند کوشش
کنند و فرزندان خود را سعی کنند که این دولت را از و ال کسب نمایند که هم در دنیا
و هم در عقبه شمر بركات است علم عبارت است از دانستن حسن و قبح عقائد و اخلاق
و احوال و اعمال که علم عقائد و علم اخلاق و علم فقه متکفل آنست و این علم
بدون دریافتن او که از قرآن و حدیث و تفسیر و شرح احادیث و اصول
فقه و دریافتن اقوال تابعین خصوصاً ائمه اربعه رحمهم الله و لغت و صرف
و نحو صورت نمی بندد و در اکثر فتاوی بعضی روایات بی اصل نوشته اند
در یافت حال صحیح و سقیم مسائل بدون اینهمه علوم نمی شود و درین علوم سعی تا
کرد و خواندن حکمت فلاسفه لاشی محض است کمال دران مثل کمال مطربان
در علم موسیقی که موسیقی هم فنی است از فنون حکمت یا ضعیف مگر منطق که خادم همه
علوم است خواندن آن البته مفید است

شما در میان
خداوند
و حقیقت نامه
شما از زبان
شما و اولاد
اورسوز و اولاد
دورستان تاجی
نگین و دشمنان
ایمان آورده اند
ترجمه کمالیکه

تعلقه مال بزرگ

رسالہ اظہار احکام و احرام ضمیمہ مالابدینہ بنظر مفتی عام

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللہ کی حمد کس نہ ہو سکے کہ جسے کھانا مہوار کا حرام کیا اور لاکھوں روپوں
 رسول مقبول پر کہ جسکے دست مبارک میں مجھے ہوئی گوشت نے کلام کیا بعد اس کے
 فقیر محمد حسین ساکن تبت سب بھائی مسلمانوں کی خدمت میں پست برکنہ عرض
 کرتا ہوں کہ جب مولوی شیخ محمد عبید اللہ صاحب تیر و نجات کو مسلمانوں کو کافروں کے
 گوشت خرید کر کھاتی ہوئی دیکھا یعنی ہندو کچہ ٹیکوں سے سب گوشت لیتے ہیں تو کہاں حرام
 اپنی کے دہلی اور سہارنپور کے عالموں سے فتویٰ اس کے دست نادرست ہو گیا طلب کیا
 مولوی کے نادرست ہوئی پر دونوں جگہ کے عالموں کی مہرین ہو آئیں جب اتفاقاً فرین پور
 اور سواہر ہو آیا تو مولانا موصوف نے اس فقیر کو ارشاد کیا کہ اگر اسکو چھو اگر مسلمانوں
 میں منتشر کر دیا جائے تو بہتر ہو سو میں نے اوپر عمل کیا اور یہ خطبہ طبع کر کے تمام
 رسالہ اظہار احکام و احرام کھانا مسلمانوں کو عمل کی توفیق دے *
 سوال اول تا قولہم رحمہم اللہ در صورتیکہ کافری گوشت ذبیحہ بفروشد بیان کنند
 کہ این بیحرام فوج کردہ است و دلیل بر فوج کردن سلم قول کافر است فقط درین صورت
 باعتماد قول کافران ذبیحہ حلال است یا حرام و نیز در قریہ مشکا عادت باشد کہ از مسلمانان
 فوج کنانیدہ کفار گوشت می فروشند مگر خریدار فوج کردن مسلمان آن ذبیحہ را
 بخر قبول کافر با عادت از وہ دیگر معلوم نمی شود پس حکم چیست *
 جواب اول حکم بر قرینہ وغیرہ کردہ نہیں شود تا وقتیکہ دلیل شرعی قائم نشود و از
 حنفیان حکم بر قیافہ نہیں سازند علی الخصوص در حلت و حرمت کہ محل احتیاط و احتراز است

ضمیمہ مالابدینہ

بیم صورت مرقومه حکم بقول کافر و باب حلت حرامت که از جمله دیتاها مکرده شود یعنی
آن گوشت بقول کافر که نجس کرده مسلم است خوردن جائز نیست قال فی درالمختار
قول الکافر مقبول بالاجماع فی المعاملات لانی الدیانات انتهی و قال محمد بن حسن
الشیبانی فی الموطا فان فی ذلک مجوی ذکر ان مسلما ذبح لم یصدق ولم یوکل الله اعلم بالصواب

محمد بن العزیز	محمد بن العزیز	نور الدین علی	رمز المذنب	سید محمد بن عثمان	جواب صحیح است از فتنه قاطعه نبوت
محمد بن العزیز	احمد بن محمد	فخر المصنف	محمد بن العزیز	محمد بن العزیز	در باب حلت حرامت و حرامت قمار و شراب
محمد بن العزیز	احمد بن محمد	فخر المصنف	محمد بن العزیز	محمد بن العزیز	تغزوات اسبته اعتقاد ان دشت اند

سوال دوم چه میفرمایند علمای بن جزم الله تعالی اندر نیاب که شخصی قوم بنود مثل
کشتیک غیره گویند یا دیگر حیوان از دست مسلما کی نجس کنایه بعد آن حیوان نظر مسلما
غائب شد بعد بخرید آن کشتیک گفت که این گوشت همان حیوان که تو نجس نمودی آیا
این مسلما را با اعتماد قول آن بنود خریدن گوشت آن ذبیحه درست است یا نه

جواب دوم ما دایم که گوشت آن ذبیحه روبروی مسلم ماند و غائب نشود و خریدنش و
خوردنش درست است و بعد از آن که از نظرش غائب شد قول آن کافر و نیاب مستخرج
شد قال محمد بن زاذان خذ و هو قول ابی حنیفه رحمه الله اذا كان الذی یاتی به اثمی تکلم

اللحم و فی نسخه ذلک مسلما او من اهل الکتاب می یهودیا او نصرانیا او کان عربیا
و صار کتابیا فان اتی بذلک مجوسی ای عابد نار فی معناه الوثنی و هو یضرم النار و ذکر ان
مسلم ذبح و ذکر سن اهل الکتاب می ذبحه لم یصدق فیما ذکره و لم یوکل لانه لیس اهل الدیانة
بل من ارباب الخداع و انخیاته شرح ملا علی قاری بر موطا امام محمد رحمه الله تعالی

سعد بن علی	محمد بن عثمان	نور الدین علی	محمد بن عثمان	سید محمد بن عثمان	فخر المصنف
سعد بن علی	محمد بن عثمان	نور الدین علی	محمد بن عثمان	سید محمد بن عثمان	فخر المصنف
سعد بن علی	محمد بن عثمان	نور الدین علی	محمد بن عثمان	سید محمد بن عثمان	فخر المصنف

صالح مضمون اسکایه چرا که اگر کسی شرک کند مثلاً کشتیک غیره یا مجوسی یا مجوس یا مجوس یا

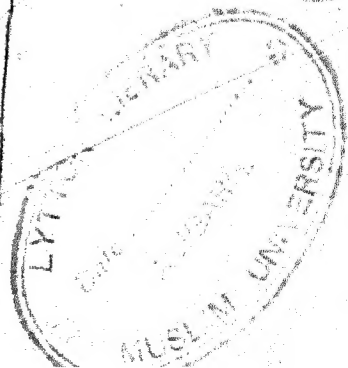
ضمیمه کتاب

اور کوئی مشرک گوشت بیچتا ہو اور کتا ہو کہ میں نے اس جانور کو مسلمان سے بیچ کر لیا ہے تو اس
 بات میں اس کے کہنے کا اعتبار نہیں اور اس کا کھانا اور خریدنا درست نہیں اور اگر کسی
 مشرک نے مسلمان کے ہاتھ سے جانور بیچ کر لیا اور وہ جانور مسلمان کی نظر سے غائب
 ہوا پھر وہ مسلمان سے خریدنا درست نہیں ہاں اگر بعد بیچ کے اس کو اپنی نظر سے غائب ہو
 گئے اور وہ بیوقوف اور مسلمان سے خریدے تو جائز ہے اور اگر مشرک نے مسلمان سے بیچ کر لیا اور اس
 سے اس مسلمان ہی کے سامنے وہ مشرک کھٹیک غیر اپنی بیوی بیٹی کو ہاتھ یا کسی اور
 مشرک کو ہاتھ اس گوشت میں کسی مسلمان کے گھر بھیجے اور اس کا بھی خریدنا درست نہیں
 اصل اس مسئلہ میں یہ ہے کہ بعد بیچ کے مسلمان کی نظر سے اگر گوشت ایک سطل بھی غائب
 ہو جائے اور اس کا لینا اور کھانا اور خریدنا درست نہیں اب بھائی مسلمانوں کی
 خدمت میں عرض یہ ہے کہ کھٹیک غیر ہر گوشت ہر گز مول نہ لیا کریں اور لیا کریں تو
 اپنے سامنے مسلمان سے بیچ کر اگر اپنی نظر سے غائب ہوئے دیکھیں کیلئے کہ یہ درست ہے اور
 نہیں تو یہ سمجھ لو کہ دنیا میں جتنے چیزیں ہیں جو گوشت سے صبر کرنا آسان ہے
 کی نعمتوں سے محروم رہنا اور دفع کی آگ پر صبر کرنا شکل ٹپکا اللہ توفیق عنایت کرے

خاتمة الطبع

بعد ثنائی کبریا و درود بر اشرف انبیاء علیہ السلام جامع مسائل فقہ مسیحی ابوالابیدہ مصنف
 عالم ربانی حضرت قاضی سید الدین پانی پتی باضافہ حواشی لائقہ بالفتی فی الزوال مع
 رسالہ وچتر شمسائل ضروریہ لابدیہ ورسالہ تتمہ کلمات کفر ووصیت نامہ رسالہ انبیاء علیہ السلام
 و احکام این محلہ رسائل ضمیمہ ابوالابیدہ منہ شدہ جاہ فروزی شتہ اع مطابق ماہ ربیع الاول
 ہجری ۱۲۸۶ کانپور پرنٹ گرامی جناب منشی نول کشور خان عم فیضہ تہام لالہ شیشہ دیوانی منصر

ضمیمہ ابوالابیدہ



CALL No. { ۲۹۷۶۳۴۱ } ACC. NO. ۲۷۳

AUTHOR _____

TITLE _____

فہرست
۲۹۷۶۳۴۱
شام
۳۰
۲۷۳
لالہ پرمنہ

Date	No.	Date	No.



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.